

یکشنبه ۶ سه شنبه ۶ پنجشنبه منتشر میشود

سال دوم دوره دوم

# رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

یکشنبه ۸ تیرماه ۵۹ شماره ۷۰ تک شماره ۱۰ ریال

بنی صدر در اجتماع نمازگزاران شیراز:

# ما باید خود را از دوا بر قدرت بی نیاز کنیم

خارجی گفت که تا حدود زیادی موفق شده‌ایم که حصار محاصره اقتصادی را بشکنیم و مواد لازم را برای کشور تهیه نماییم.  
دکتر بنی صدر افزود: در زمینه بانکی توانستیم پولها را از دسترس آنها خارج کنیم و پس از اینکه توانستیم بازارهایی پیدا کنیم که بما جنس

دکتر ابولحسن بنی صدر رئیس جمهوری در روز جمعه ۶ اردیبهشت در میان شور و شوق مردم شیراز که به طرفداری از امام و رئیس جمهور شعار می دادند در استادیوم حافظیه شیراز حضور یافت و قبل از ایراد خطبه‌های نماز جمعه سخنانی ایراد نمود.  
رئیس جمهور در زمینه بازگانی

سخنان امام علیه سلطه نظام طاغوتی بر ادارات دولتی

## بوروکراسی سدر اهل انقلاب

امام خمینی در روز جمعه ۶ تیرماه طی یک سخنرانی مهم در حسینیه جماران، شیدایا به روابط حاکم بر ادارات دولتی ناخشنود و بیانگر دردهای

دولت ۲ ریال به قیمت خرید گندم اضافه کرد

# دهقانان صدقه نمی خواهند

## آنها قیمت عادلانه محصول خود را می طلبند

دکتر شبانی وزیر کشاورزی و عمران روستائی در مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی صبح چهارشنبه ۴ تیرماه خود، برنامه خرید محصولات کشاورزی و دولت را در سال جاری اعلام کرد. وزیر کشاورزی اظهار داشته که: "سعی شده است تا کالاهای کشاورزان که در

# ما باید خود را از دوا بر قدرت بی نیاز کنیم

بفروشند و پس از آنکه توانستیم از وابستگی آمریکا بدرائیم بدون آنکه وابسته به ابر قدرت روسیه شویم، اروپا تغییر سیاست داد و در کنفرانس اخیر مونیخ در برابر کارتر ایستاد و گفت دنباله روی سیاست وی نخواهد بود.

رئیس جمهور سپس اضافه کرد امیدواریم که نخستین ملتی باشیم که در دوران معاصر در زمینه

دکتر بنی صدر در مورد افغانستان گفت سیاست مان در سفته ۳ صفحه ۶

دکتر بنی صدر در مورد افغانستان گفت سیاست مان در سفته ۳ صفحه ۶

# کار توده‌های وظیفه عمده و مرکزی حزب در اوضاع کنونی

# مسکن

دولت باید هر چه زودتر فکری اساسی برای حل مشکل مسکن زحمتکشان بنماید



نامه دبیر خانه حزب رنجبران ایران به دادستان کل انقلاب در مورد:

## توقیف «خلق»

# و تعطیل چاپخانه نصرت نو

چاپخانه "نصرت" رانیز که نشریه "خلق" در آن چاپ میشود، مهرو موم نموده و دوتن از مدیران چاپخانه را دستگیر و روانه زندان اوین ساخته‌اند!  
مانه تنها به این شیوه برخورد مأمورین دادستانی شدیداً اعتراض داریم بلکه از اعمال غیر قانونی این افراد عمیقاً شگفت زده گشتیم.

وزارت ارشاد ملی در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۱۳ به امضای دکتر ممکن گاه...

جناب آقای حجت الاسلام قدوسی دادستان محترم انقلاب در تاریخ ۵۹/۴/۴ حدود ساعت ۹ صبح گروهی از افراد اداره دادستانی با در دست داشتن یک حکم عمومی در رابطه با جلوگیری از چاپ نشریات "مضره" بدون جواز به چاپخانه "نصرت" ریخته و نشریه "خلق" را توقیف نمودند. این اولین بار نیست که نشریه "خلق" ارگان تئوریک - سیاسی حزب رنجبران ایران مورد تهاجم قرار میگیرد. این نشریه از دهها نشریه...

بسر می برند، امام، مقامات و مسئولین دولتی را از بابت مسامحه در ریشه کن کردن سلطه نظام گذشته بر ادارات دولتی شدیداً مورد انتقاد قرار داده و از آنها خواستند که قاطعانه به تصحیح این امور بپردازند.

بوروکراسی کنونی یکی از سوم ترین ارثیه های استبداد و یکی از شاه ترین آثار سلطه طولانی امپریالیسم برمیمن ما است. در زمان شاه سابق، بوروکراسی که در رأس آن دربار و خود شاه قرار داشت، دستگاه عریض و طولیلی را تشکیل میداد که باتمام قدرت بر جان و مال و ناموس مردم و بر سرنوشت و حیات مملکت حکم میراند. فساد، رشوه خواری، نورجشم بازی، ضوابط اصلی حاکم بر طرز کار و عملکرد این اراده های هفت سر به شمار می رفت. اعمال زور و توهین به مردم شیوه های رایج در دستگاه دولتی بود. این دستگاه دولتی نه تنها ابزار اعمال ظلم و ستم بر توده های مردم، بلکه همچنین ابزار جلوگیری از رشد مستقل کشور و کانون وابستگی به امپریالیسم از طریق بوروکراتهای بزرگ وابسته که در رأس همه آنها شاه و اعوان و انصارش قرار داشتند، بود.

پس از انقلاب اسلامی، ضربه بزرگی به بوروکراسی شاهنشاهی آمریکایی وارد آمد. از آن جمله، ساواک منحل شد و عده زیادی از بوروکراتهای بزرگ اداری و نظامی یا اعدام شدند و بیا به خارج گریختند. لکن مسأله بوروکراسی که یک نهاد وابسته است و به چند نفر و به یک دستگاه (ساواک) خلاصه نمیشود، حل نشد. تمام تجربه یک سال و نیم اخیر، علیرغم برخی جوانب مثبت و برخی پیشرفت ها، بروشنی نشان میدهد که دستگاه اداری طاغوتی تقریباً دست نخورده باقی مانده است و ضوابط و معیارها و شیوه ها و مناسبات میان آن و مردم و میان خود اعضای آن بروال سابق است.

کافی است به چند نمونه از دهها نمونه ای که در این مدت در "رنجبر" آمده است نگاهی افکنیم، کافی است از وضع یک کارگر اخراجی که ماهها است از این اداره به آن اداره پرتاب میشود جویا سویم تا ماهیت ضد مردمی بوروکراسی دولتی بر ما تماماً روشن شود. کافی است به طرحهای متعددی که به خاطر اخلال بوروکراسی عملی نشده است رجوع کنیم تا نقش این دستگاه پیوسیده را در جلوگیری از خودکفایی اقتصاد و تحکیم استقلال مملکت دریابیم. روشن است مسایلی مانند مهر و آرم شاهنشاهی که در کاغذهای این یا آن اداره و وزارت و موسسه به چشم میخورد و بجای خود مهم است تنها ظواهر کاملاً ثانوی این درد عمیق انقلاب ما است و بهمین خاطر منحصر قلمداد نمودن انتقادات امام تنها باین مسئله آنطور که مفسرین تلویزیونی انجام دادند ناشی از برداشتی سطحی از وضع موجود و سخنان امام است.

مسأله اصلی در این است که: دستگاه اداری کنونی از وضع توده های وسیع ما فرسنگها دور است، جدا از آن به زندگی انگلی ادامه میدهد و بی هیچ وجه درد و رنج آنها را نمی فهمد. شعارش خدمت به این مردم انقلابی، به این مردم محتاج و به مستضعفین نیست. دستگاه اداری ما خود ضد قانون، ضد نظم انقلابی و ضد حرکت جامعه و انقلاب ما به سوی استقلال و دمکراسی و رشد اقتصادی و فرهنگی است، مکانی است که در آن، درست بخاطر این خصوصیات ضد انقلابی و منفی، عناصر ضد انقلاب و عمال دوا بر قدرت آمریکا روسیه به بهترین وجهی رخنه کرده، اخلال نموده، فتنه به پا می کنند و جوب لای جرح انقلاب می گذارند.

برای حل ریشهای این مسأله و این گره کور انقلاب ما، باید از همه لحاظ بسیج شد. حزب ما مدتها است رتوس اصلی مبارزه با بوروکراسی را اعلام داشته است.

— لغو قوانین ظالمانه و دست و پاگیر که میراث طاغوت بوده و یا از روی قوانین طاغوتی توسط بوروکراتهای دولتی کبیه برداری شده اند.

— ایجاد یک دستگاه اداری ساده و بر تحرک بر اساس جلوگیری از تراکم کارمندان غیر ضروری و به کارگماشتن آنها در بخشهای مختلف تولیدی.

— رعایت مرکزیت مردمی در ادارات بر پایه انضباط آگاهانه از سوئی و آزادی عمل آگاهانه از سوی دیگر.

— شرکت دادن کارمندان ادارات در اداره امور داخلی ادارات به انکاء شوراها و کارکنان.

— انتخاب و انتصاب افراد بر اساس شایستگی های سیاسی، علمی و فنی و تخصص در کار، جلوگیری از هرگونه تبعیض بر اساس اعتقادات سیاسی و مذهبی.

— جلوگیری از هرگونه پارتی بازی و انتصاب خانوادگی و آشنابازی و نیز جلوگیری از اخراج های غیر قانونی به دلیل اختلاف عقیده.

— رسیدگی به شکایات مردم از ادارات دولتی در اسرع وقت و به موثر ترین وجه توسط دادگستری جمهوری اسلامی.

— پاکسازی بر مبنای تحقیق کافی درباره سوابق افراد و بر مبنای تمایز

بفیه در صفحه ۶

مرکزی حزب رنجبران ایران پس از ارزیابی از اوضاع گسترش پایتوده های حزب، رهنمود زیر را در دستور کار تمام حزب قرار داد:

"کار توده های باید به وظیفه

# دفاع از افغانستان بدون مبارزه علیه

## روسیه دینسر نیست

منفرد ساختن روسیه  
دفاع از انقلاب افغانستان است

ما مصرا بر درخواست مجاهدین افغانی از رژیم جمهوری اسلامی مبنی بر دادن کمک های موثر به جنبش افغانستان مجدداً تأکید می کنیم. اما جنبه دیگر این مساعدت را پشتیبانی سیاسی از مبارزه آزادیبخش مردم افغانستان و مهمتر از آن مبارزه سیاسی علیه ابرقدرت جنایتکار و تجاوزگر روسیه، تشکیل می دهد. موضعگیری ایران در کنفرانس

میتوان به وجه موثری به یاری جنبش آزادی بخش مردم افغانستان شناخت مدتهاست که مورد بحث نیروهای استقلال طلب در میهن ما قرار گرفته است. کمکهای مالی و نظامی البته بخش مهمی از مساعدت جمهوری اسلامی ایران به خلق دلاور افغانستان را باید تشکیل دهد که متأسفانه دولت ایران تاکنون در این زمینه کار موثری انجام نداده است و

هاو محافل بین المللی مبنی بر پشتیبانی از مردم افغانستان و حق تعیین سرنوشت آنان البته امر درست و خوبی است که باید ادامه یابد ولی این میتواند تنها بخشی از مبارزه ما باشد. اگر قبول کنیم که ضرورت دفاع همه جانبه ایران از مبارزه آزادیبخش مردم افغانستان صرفاً از یک موضع بشر دوستانه ناشی نشده، فقط به علت علائق فرهنگی و دینی مشترک نبوده، بلکه این دفاع در عین حال دفاع از تمامیت ارضی و استقلال ایران در برابر خطر مداخله و تجاوز روسیه نیز می باشد، باید بدبیریم که بخش مهمی از این پشتیبانی را مبارزه مشترک علیه دشمن مشترک یعنی روسیه تجاوزکار تشکیل میدهد. حتی اگر زمامداران جمهوری اسلامی نخواهند بر اساس تجارب قبلی ایران و سایر کشورهای تحت سلطه به این واقعیت پی ببرند، کافیت به عکس العمل های روسیه در هفته های اخیر نسبت به ایران توجه کنند تا این مهم را دریابند.

بدنبال بسط فعالیت دیپلماتیک و سیاسی ایران در محافل و مجامع بین المللی علیه اشغال نظامی افغانستان توسط روسیه، هواپیماها و هلیکوپترهای روسی ۴ بار از مرز افغانستان به خاک ایران تجاوز کرده، چند قصبه را بمباران نموده و عده ای را به قتل رسانیدند. هفته گذشته دولت روسیه ایران را رسماً تهدید کرده و با اربعاب از دولت ایران خواسته است تا قربانیان تجاوز و جنایتهای روسیه در افغانستان را به خاک خود راه ندهد و از حمایت خود از مبارزه مردم آن سامان صرفنظر کند.

این واقعیات، تجسارب متعدد قبلی ایران و سایر کشورهای جهان سوم را بار دیگر تأیید و تأکید میکنند: روابط حسن سیاسی و اقتصادی با ابرقدرت روس، هنگامی که ایران به مقابله با تجاوز روسیه

مبارزه کارگران کارخانه «ساکا» ادامه دارد

# نماینده کارگران کارخانه «ساکا» را آزاد کنید

نفوذ خود در برخی ارگانها کارخانه را تعطیل کرده و پس از ۲ روز انتشار اطلاعیه ای در روزنامه کیهان پنج شنبه تیرماه، کارگران چندین ساله کارخانه را مجدداً برای نیت نام در کارخانه فراخوانده و با تهدید اخراج درصدد سرکوب کردن خواست های بحق آنها برآمده اند.

دربخشی از متن این اطلاعیه چنین آمده است: "کلیه کارکنان شرکت از تاریخ یکشنبه ۸/۴/۵۹ تا ساعت ۱۲ روز پنج شنبه ۱۲/۴/۵۹ میتوانند به محل شرکت مراجعه و پس از امضاء مدارک لازم جهت ضبط در پرونده استخدامی ایشان بکار ادامه دهند. بدیهی است کسانی که تا تاریخ تعیین شده به شرکت مراجعه

بدنبال دستگیری احمدرضا کریمی حصاری نماینده ورثه سندیکای کارگران کارخانجات تولیدی ساکا توسط دادستانی تهران از تاریخ ۱۱ خردادماه تاکنون اعتراضات پیگیر کارگران این کارخانه برای آزادی نماینده خود و مراجعات پی در پی به دادستانی و دفتر ریاست جمهوری به نتیجه ای نرسیده و احمدرضا کریمی حصاری کماکان در زندان اوین بسر میبرد و تاکنون دادستانی تهران هیچگونه دلیل و سندی برای این اقدام خود ارائه نداده است. در مقابل اعتراضات حق طلبانه کارگران که با کار و تولید در کارخانه همراه بود و کارگران لحظه ای از کار کردن باز نایستاده بودند، چند نفر از سهامداران کارخانه با استفاده از

بفیه در صفحه ۶

به صدور با عدم صدور پروانه بلا اشکال است. دادستان انقلاب نیز با مضای آقای حسینیان در تاریخ ۲۸/۲/۵۹ اعلام داشت که علت اعلام توقیف این نشریه فقط نداشتن پروانه انتشار بوده و هیچگونه اتهامی به آن وارد نمیشد و انتشار آن با کسب پروانه بلا مانع است.

باتوجه به نوشته های وزارت ارشاد ملی و دادستان انقلاب هیچ گونه اتهامی به نشریه خلق از طرف مقامات رسمی دولتی وارد نشده است. پس چرا کارکنان چاپخانه نصرت را که به استناد به همین مدارک زنده و کتبی دولت جمهوری اسلامی به انجام وظیفه قانونی خود مشغول بوده اند، دستگیر میکنند؟ و چاپخانه را تعطیل می کنند؟ آیا این بقیه در صفحه ۵

# نامه کارگران چاپخانه نصرت نو

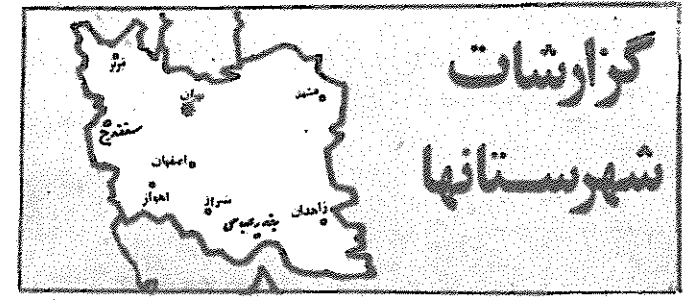
خواست کارگران باز کردن چاپخانه و رفع اتهام از آن است

روزه شنبه چهارم تیرماه چاپخانه نصرت نو توسط نماینده دادستان انقلاب اسلامی و پاسداران منطقه، اشغال و به اتهام واهی چاپ نشریات ممنوعه چاپخانه را تعطیل و کارگران را نیز اخراج نمودند.

این واقعه پس از گذشت یک سال و نیم از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران که برهبری امام خمینی و با پشتیبانی و جانفشانی میلیونها کارگر ایرانی و دیگر مردم مسلمان و بیش از ۷ هزار شهید و معلول انجام میگردد. زمانی که هنوز صدها هزار کارگر پس از انقلاب در بیکاری بسر میبردند، بسن کارخانجات و چاپخانه ها و بیکار کردن کارگران و بزرگتر کردن لشکر بیکاران، نه تنها بسود انقلاب اسلامی ایران نیست بلکه بسیار مضر هم میباشد.

در زمانی که جطاق ماده ۳۳ در دست کارفرمایان و سرمایه داران هنوز بقوت خود باقی است و هر لحظه

بفیه در صفحه ۵



## درگیری بخاطر فروش نشریات غیر قانونی

عصر روز سه شنبه ۴/۳ چند تن از پاسداران به خیابانی که محل اجتماع مردم و فروش نشریات و کتاب میباشد آمده و از فروش روزنامه کار، توفان، ارگان مستضعفین که گویا غیر قانونی هستند جلوگیری بعمل میآورند.

یکی از هواداران چریکها که مشغول فروش کتاب و پخش اعلامیه بود به این عمل پاسداران اعتراض کرده و حاضر به جمع آوری بساط خود نمی شود، یکی از پاسداران مشغول جمع آوری کتاب ها میشود ولی شخص مزبور با مشت به وی حمله کرده و او را مضروب می کند این عمل باعث اغتشاش در محل شده و پاسداران برای جلوگیری از هرج و مرج مبادرت به تیراندازی هوایی میکنند. در این جریان عده ای دستگیر می شوند.

صبح روز بعد یعنی روز چهارشنبه ۴ تیر ماه در حدود ۵۰ نفر در مقابل زندان شهربانی اجتماع کرده سعی در بهم زدن اوضاع داشتند و شعار آزادی زندانیان را می دهند. شعارهای این عده از جمله عبارت بود از:

پاسدار ضد خلقی اعدام باید گردد.  
دولت ضد خلقی افشاء باید گردد.  
مرگ بر ارتجاع آمریکا دشمنان خلق ما  
مبارزان دربندند ساواکی ها آزادند.  
ارتجاع، ارتجاع وای بروزی که مسلح شویم.

ساعت ۱۱ صبح عده ای با چوب به آنان حمله کرده و آنان مجبور به فرار می شوند. در این درگیری عده ای بر اثر ضربات چوب زخم های سطحی برداشتنند.

## اجتماع روستائیان مقابل بیمارستان

روز سه شنبه سوم تیرماه حدود ۲۵۰ نفر از روستائیان حومه بابل در مقابل بیمارستان شیرو خورشید اجتماع کرده بودند. خبرنگار رنجبر با چند تن از این مراجعین گفتگو نموده و گزارش زیر را بر اساس اظهارات روستائیان ارسال داشته است:

"همگی آنان روی این مسئله که کارکنان بیمارستان در کار خود احساس مسئولیت نمی کنند و سهل انگارند اتفاق نظر داشتند. یکی از دهقانان توضیح داد که بعلت نبودن درمانگاه در مناطق روستائی ما مجبوریم مریض های خود را از راههای دور یا زحمت زیاد به شهر آورده و به بیمارستان برسانیم این مسئله در این فصل پرکار که موقع برداشت محصول و کار زیاد است برای ما مشکل ایجاد می کند. از طرف دیگر مسئله عمده وضع نابسامان بیمارستان میباشد آنها معتقد بودند که مریض هایشان در مدت زمانی که در بیمارستان بستری هستند هیچگونه تضمینی برای معالجه و سلامت دوباره ندارند چون هیچگونه مسئولیتی در بیمارستان وجود ندارد و کسی به مریض ها توجه ای نداشته و آنها به امان خدا رها میشوند.

بی مسئولیتی و سهل انگاری سرتاسر این بیمارستان را فرا گرفته است. ما مصرأ از مسئولین دولتی و مقامات بیمارستان میخواهیم هرچه زودتر به وضع بیمارارن و تشکیلات بیمارستان سر و سامان داده و هم چنین با ایجاد درمانگاه در مناطق روستائی دهقانان را از احتیاج به شهری نیاز کرده تا بدین صورت تسهیلی نیز در کار آنان ایجاد گردد. دهقانان نیز همگسی خواستار، سدگ قاطع نیست به امر داخل بیمارستان. اجتماع روستائیان

## بقیه از صفحه ۱ "کار توده های وظیفه...."

میشود که توده ها سازندگان تاریخ اند، نیروی محرکه واقعی هراجمتاعی را توده های عظیم زحمتکشان تشکیل میدهند. در درجه دوم آزارزیایی مشخص از اوضاع کنونی ناشی میشود. پس از ایجاد حزب، از لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی نظم و وحدتی عمیق در درون آن بوجود آمده و از لحاظ تشکیلاتی صفوف آن گسترش پیدا نموده ولی با افزایش روزافزون وظائف پایه ای توده های متناسبی ایجاد نگردیده و حزب قادر نیست با تکیه به اعضا، به تمام این مسائل جواب گوید. حزب باید به هزاران توده ای انقلابی تکیه کند و باید آنها را برای پذیرش خط مشی و سیاستهای انقلابی حزب بسیج نماید.

تبدیل شدن کار توده های به وظیفه عمده و مرکزی حزب ما، چه معنا و مفهوم و نتایجی در کارها دارد؟

ما به سئوال فوق در دو بخش جواب میدهیم: ۱- مناسبات این رهنمود با وظائف دیگر حزبی چیست؟ ۲- برخی مسائل مربوط به سازماندهی و سبک کار که در اجرای رهنمود فوق باید مورد توجه قرار گیرند.

۱- تبدیل شدن کار توده ای به وظیفه عمده و مرکزی حزب طبیعتاً تأثیرات مبین بر روی فعالیت های عمومی حزب و وظائف مشخص هر بخش می گذارد.

کار توده های به این دلیل در شرایط کنونی وظیفه عمده است که بدون حل آن انجام موفقیت آمیز بقیهی وظائف ممکن نیست، لذا امر گسترش پایه ای توده ای عامل تعیین کننده یا عبارت دیگر کلید گشایش بقیهی مسائل و معضلات موجود در برابر حزب است.

کار توده ای در عین حال باید به وظیفه ای مرکزی حزب در نقطه مشخص کوتاه مدت تبدیل شود و از میان تمام وظائف حزبی محوری است که برگردد آن وظائف دیگر باید انجام پذیرند. یعنی مناسبات کار توده ای و دیگر وظائف به گونه ای باید تنظیم شوند که وظائف دیگر حزبی مستقیم و یا غیر مستقیم به کار توده ای خدمت کند و آنرا تقویت نماید. مثلاً در کار تبلیغاتی و در نشریات مسائل کار توده ای و خواست ها و نیازهای مشخص توده ها بیش از گذشته باید انعکاس یابند و نشریات و دیگر ابزار توده ای به وسیله ای موثر تر در خدمت کار توده ای حزب تبدیل شوند. با مشکلات

از طبقات و اقشار مختلف کارگران، دهقانان و خریده بورژوازی شهر و ده تشکیل میشوند، حزب مادر عین فعالیت در میان تمام توده ها تا تکیه می کند که سمت کار توده ای ما و به مرور مرکز ثقل کار توده ای حزب باید در میان کارگران و دهقانان باشد. جانب دوم سطح آگاهی سیاسی توده هاست. توده ها در هر قشر یا طبقه و یا محیط معینی از کار به سه قشر پیشرو، میانی و عقب مانده تقسیم میشوند ما باید در درجه اول به بسیج متشکل نمودن پیشروان توده به پردازیم و با آنها به توده های میانی متحد شده و بخش عقب مانده را با کمک پیشروان و میانی ها جلب نمائیم. بدون توجه بسطوح سیاسی توده ها و سایه روشنیهای میان آنها بسیج و متشکل نمودن خلق ممکن نیست. مسلماً چنین پیشروانی را در جریان مبارزات توده ای و در میان توده ها نمیتوان پیدا کرد نه در اتاقهای دربسته و جدا از توده ها

ب- در کار توده ای، خط مشی توده ای باید اساس قرار گیرد. بکاربرد خط مشی توده ای یعنی بسیج توده ها برای حل مسائل و مشکلات خود و جوابگویی به پیشبرد امر انقلاب. بکار برد خط مشی توده ای یعنی طرد این نقطه نظر که گوئی یک فرد یا محفل و گروه می توانند وظائف عظیم انقلابی را به تنهایی انجام دهد و در برابر توطئه های مداوم ابرقدرتها و ضد انقلاب علیرغم خلق به تنهایی مقاومت نماید. یعنی اینست که یک رفیق یا حوزه ای حزبی بدون بسیج توده ها برای حل مشکلات و مسائل نمی تواند به وظائف محوله پاسخ گوید یعنی نقشه و برنامه های ما باید با توده ها داشته باشند.

ب- کار توده ای عام و از سالها و کار توده ای مشخص و از یائین نوع اول با استفاده از امکاناتی که بتوان در سطح وسیع و عمومی، عقاید و نقطه نظرهای صحیح را میان مردم رواج داد، مانده استفاده از امکانات اتحادیه ها و سازمانهای توده ای و قشری، سخنرانی، نمایشنامه، نشریه، تریبونهای دولتی و پارلمانی و راهپیمائی صورت میگیرد.

نوع دوم یعنی ارتباط نزدیک با چند نفر در زندگی و مبارزات روزمره همراه آنان بودن و بکار آید تلوژیک - سیاسی مشخص با آنها پرداختن.

با توجه به رشد وسیع سطح آگاهی توده ها در جریان انقلاب و پس از آن و با توجه به تطابق خط مشی سیاسی حزب با منافع توده های وسیع

تضادهای ویژه ای که توده ها با آن روبرو هستند نمی توان آنها را بسیج نمود. و باین دلیل برای کار توده ای دقیق باید توده ها زندگی کرد و از نزدیک نیازها و مشکلات آنها لمس نمود و از بکار برد الگوها و طرح نسخه های عام جدا خودداری کرد.

ت- در کار توده ای توجه به سیاست مهم است. باید جوابگویی نیازهای مشخص توده ها را با لای بردن قدم به قدم سطح آگاهی آنها تلفیق داد. باید با استفاده از مسائل زنده و قابل لمس برای توده ها افکار انقلابی را در میان توده ها رواج دهیم و با بقایای افکار عقب مانده و نواستعماری که بدلیل نفوذ طولانی استعمار و امپریالیسم وجود دارند، مبارزه نمائیم. در این کار باید با حوصله دقیق و با دید دراز مدت عمل نمائیم و میان سنتهای اجتماعی توده ها و افکار عقب مانده که مانع شکوفائی آنان میگردد تمایز قائل شویم.

ج- برای موفقیت در کار توده ای باید اصل تمرکز قوا را بکار برد و از پراکنده کردن نیروها خودداری کرد. این یک نقطه نظر اساسی است. نیروی حزب ما قادر به تماس با توده ها و حتی بخشهای مهمی از آنها نیست - رفقای ما باید با ارزیابی مشخص تمرکز در کارها و تمرکز نیرو را بوجود آورند. تا کار توده ای آنان موثر باشد. در این مورد معیار اساسی اینست که چقدر از توده ها را در مدت معینی می توانیم بسوی خط سیاسی درست حزب جلب نمائیم و پایه ای حزب را در میان توده ها گسترش دهیم - تمرکز نیرو بمعنای تمرکز در درون پراکندگی است یعنی در میان دهها کار، یک تمرکز ویژه برای حل کار و مشکل معین چه در زمینه کمی وجه کیفی بوجود آوریم.

چ- حزب ما از چه موضعی به توده ها برخورد می کند؟ در این زمینه بدون نکته اشاره می کنیم:

توفان

پاسخ به اخطار شوروی

توفان

پاسخ به اخطار شوروی

## اخبار نیروهای سیاسی

### بیکار: علیه سوداگران مرگ

نشریه "بیکار" شماره ۵۹ آورده است که "سوسیال امپریالیسم شوروی ۱/۶ میلیارد دلار به هند و ۳ میلیارد دلار اسلحه به سوریه فروخته است. "بیکار" در رابطه با این سوداگران مرگ می گوید: "حتماً رویزیمو نیستها با زهم فروش تسلیحات شوروی به رژیم های ضد خلقی را کمک های برادرانه و آنترناسیونالیستی خواهند خواند. حال آنکه حقیقت چیز دیگری است. سوسیال امپریالیسم شوروی اسلحه می فروشد زیرا فروش اسلحه یکی از منابع درآمد بسیار مهم شوروی می باشد. .... فروش اسلحه به رژیم های ضد مردمی بیکار دیگر ماهیت سوسیال امپریالیسم شوروی را نشان داده و بیکار دیگر به خلقهای می آموزد که شوروی نه دوست خلق های جهان، بلکه یکی از دشمنان خلقهای جهان بشمار می رود."

بیکار علیرغم افشای ماهیت سوسیال امپریالیسم بعنوان یکی از دشمنان خلقهای جهان (و منجمله ایران) هیچگاه برای مبارزه علیه این دشمن برنامه معینی ارائه نداده است. این فقدان برنامه استراتژیکی و تاکتیکی علیه سوسیال امپریالیسم مقام آنان را در جریاناتی مانند گردستان تا همدوش شدن با عوامل خلقهای دشمن نشان داده است.

### توفان: پاسخ به اخطار شوروی

"توفان" شماره ۲۰۰ ارگان سازمان توفان) ضمن اعتراض به اخطار شوروی به ایران در مورد کمک به مبارزین افغانی می گوید: "سوسیال امپریالیسم شوروی افغانستان را ملک طلق خود میداند و خیال میکند افغانستان هم نظیر

# بحث آزاد در اندیشک

اندیشک - سوم تیرماه - اخیرا آقای محمود افشارزاده دانشجوی علوم اسلامی به شهرستان اندیشک آمده و از طریق بلندگو و ارسال دعوتنامه، نیروهای سیاسی را به بحث پیرامون تبیین ایدئولوژی اسلامی و مارکسیسم و سپس مسایل سیاسی روز دعوت نمود. حزب توده و مجاهدین خلق طبق یادداشتی که از طرف سخنران در جلسه قرائت گردید اعلام نمودند که حاضر نیستند به بحث ایدئولوژیک بپردازند.

حزب رنجبران ایران (بخش اندیشک) با دادن نامه‌ای اعلام کرد که حاضر است به بحث سیاسی با دیگر نیروها پیرامون مسایل سیاسی جاری کشور و بویژه "اتحاد بزرگ ملی و اصول استقلال آزادی و عدالت اجتماعی بپردازد که در جلسه از طرف سخنران برای شرکت کنندگان قرائت شد. بنظر می‌رسد که آقای افشارزاده از طرف حزب جمهوری اسلامی به این شهرستان مسافرت کرده است.

## اخراج بی رویه کارمندان در کردستان

طبق اخبار رسیده از کردستان بدنیال درگیری‌های اخیر و کنترل شهرهای منطقه از طرف قوای دولتی (ارتش و سپاه پاسداران) اقدامات وسیعی از جانب مسئولین امور تحت عنوان پاکسازی در ادارات آغاز شده که منجر به اخراج دسته‌جمعی تبعید و بلا تکلیف نمودن هزاران کارمند ادارات در کردستان گشته است.

مثلا از ۳۵۰ کارمند اداره کشاورزی سنندج حدود ۱۰۶ نفر از کار اخراج و تعدادی به شهرهای دور دست تبعید شده‌اند. وی کلیه کارمندان اداره کل آموزش و پرورش استان بجز در شهرهای بیجار و قروه که تعداد آنها به هزاران نفر می‌رسد از کار بیکار و از فروردین ماه حقوق بانها پرداخت نشده است. در برخی ادارات دیگر نظیر مخابرات نیز کارمندان در حالت بلا تکلیفی بسر می‌برند و جریان وسیع پاکسازی در شهرهای مریوان، بانه و سقز نیز در شرف انجام است. این اقدامات اکنون موجبات بیگاری و بلا تکلیفی قشر مهمی از مردم منطقه را فراهم ساخته و نگرانی اهالی رادر این زمینه وسعت بخشیده است.

هدف مسئولین از این "نوع" پاکسازیها چیست؟ و آیا مدیران "پاکساز" به عواقب این اقدامات خود اندیشیده‌اند؟ اگر هدف در کنترل گرفتن ادارات و موسسات، از بین بردن زمینه اقدامات احتمالی عناصر و گروههای ضد انقلاب نظیر حزب دمکرات و نهایتا خدمت به مردم باشد که باید گفت با انجام اینگونه اقدامات نتایج معکوسی حاصل خواهد شد. اینکه عده معدودی از قشر کارمند بطور فعال به صفوف ضد

انقلاب پیوسته و علیه دولت جمهوری اسلامی اقدام کرده‌اند نباید مسئولین امور را با نچنان توهمی دچار سازد که موجب اخراج دسته جمعی تعداد کثیری از کارمندان ادارات گردد. چگونه میتوان از مردمی که مدت‌ها شاهد کشتار و بی‌خانمانی همولایتی‌های خود بوده‌اند و خود نیز خسارات فراوان جانی، مالی و امنیتی دیده‌اند انتظار داشت که در درگیری‌های منطقه موضع مشخص در سوی این یا آن نیرو اتخاذ کنند یا با بی‌تفاوتی نظاره‌گر وقایع خانمانسوز خود باشند.

شاهد و اخبار دوسال اخیر حوادث اخیر کردستان نشان داده است که افشار وسیع مردم منطقه سمت گیری مشخصی با این یا آن نیرو را نداشته و اساسا نگران نابسامانیها و نا امنی منطقه و خواهان پاسخگویی به نیازهای مردم خود بوده‌اند.

گمکهای مردم به مجروحین، احساسات آنها نسبت به تامین امنیت در منطقه و محکوم ساختن جنگ توسط آنها امری کاملا منطقی و مشروع بوده و مسئولین امور نباید بهیچ وجه به خاطر این احساسات پاک ملی و بشر دوستانه دست با اقدامات تلافی جویانه بزنند.

گفته شود و کارمالی با کار توده‌ای جفت شود. یادرامسازماندهسی و تقسیم نیرو بایدتغییرات لازم برای تقویت کمی و کیفی کار توده‌ای حزب بوجود آید.

۲- چند نقطه نظر در مورد مسائل سازماندهی و سبک کار در میان توده‌ها:

الف - نکته‌ی اول اینکه کار توده‌ای یک مقوله عام و انتزاعی نیست، کار توده‌ای یک مقوله مشخص مادی و قابل لمس است. بنابراین در کار توده‌ای اولین نکته درک ویژه‌گیهای توده‌هاست - توده‌ها را از دو جانب باید مورد ارزیابی قرار داد- اول ترکیب طبقاتی: توده‌های خلق یک مجموعه‌ی بی شکل نیستند

بقیه از صفحه ۱  
دهقانان صدقه‌نمی خواهند ."

کشور شده است. "وی اضافه کرده است: "برای اینکه گندم از کشاورزان در اسمال به قیمت خوب خریداری شود تصمیم گرفته شد قیمت گندم از هر کیلو ۱۸ ریال به ۲۰ ریال افزایش یابد و دوریال که به قیمت گندم افزوده شده است به عنوان جایزه تولید خوب به کشاورزان تعلق گیرد او سپس گفته است که: "کشور از نظر گندم هیچگونه کمبودی ندارد و بنا به گفته وزیر بازرگانی گندم به اندازه کافی ذخیره شده است."

با اعلام برنامه خرید محصولات کشاورزی از طرف دولت، سؤالات زیر مطرح میشود:

۱- آیا اظهارات وزیر کشاورزی مبنی بر نداشتن هیچگونه کمبود از نظر گندم تا چه حد واقعیت دارد؟ و آیا دولت در سال جاری برنامه‌ای برای خرید گندم از خارج ندارد؟

۲- آیا قیمت تعیین شده برای گندم عادلانه است و کشاورزان ما را به ادامه کار و افزایش تولید تشویق خواهد کرد؟ و یا بعکس، آنها را کلا مایوس می‌نماید و باعث میشود که سال دیگر زمین زیر کشت گندم تقلیل یابد؟

واقعیت چیست؟  
در مورد اظهارات وزیر کشاورزی در زمینه نداشتن کمبود از نظر گندم فقط به ذکر چند خبر زیر اکتفا میکنیم و قضاوت را به خوانندگان واگذار میکنیم:

۱- دکتر مرتضی موحدی زاده مدیر عامل و عضو هیئت مدیره شرکت بازرگانی دولتی گفت: "در سال جاری نیز ورود یک میلیون و پانصد هزار تن گندم در برنامه کار دولت است ولی باتوجه به این که

حربی به حرب مدرن میبوی مرغام توده‌های بدست آورده، در اوضاع کنونی تمرکز کار رفقا باید بر روی کار مشخص توده‌های باشد. و نیروی روی آورده به حزب و توده‌های بالقوه آماده را باید با کار مشخص ایدئولوژیک - سیاسی بسوی حزب جلب نمود. - کار توده‌های کاری دقیق است. توده‌ها با افشار مختلف اجتماعی ملیتهای مختلف و ساکنین مناطق گوناگون، دارای ویژگیها، احساسات - آداب و رسوم و اخلاقیات مربوط به خود هستند، و حتی مشکلات و مسائل ویژه توده‌ها در حد افرادی جمع محدود هم متفاوت است - بدون تحقیق و بررسی منظم، بدون شناخت و احترام باین واقعیتها و بیرون جوارگویی به مسائل، مشکلات و

برنامه دولت بر مبنای کشاورزان استوار است به امکان زیاد محصول داخلی افزایش خواهد یافت و در نتیجه واردات کمتر خواهد شد.

۱- دهقانان "رستم آباد" ورامین بخاطر پائین بودن قیمت خرید محصولات کشاورزی و نبودن تسهیلات فروش اظهار ناراضی کرده و ابزار کرده‌اند که ممکن است دیگر کشاورزی نکنند. (رنجبر ۶۳، پنجشنبه ۲۲ خرداد).

۲- روزنامه جمهوری اسلامی روز سه شنبه ۱۳ خرداد نامه‌ای از اهالی یکی از روستاهای ورامین را چاپ کرد که در آن از نرخ خرید گندم به قیمت هر کیلو ۱۸ ریال اظهار ناراضی شده بود. گندمکاران اظهار کرده بودند که باین نرخ برایشان مقرون بصره نیست که گندمها را درو کنند و یا در سال آینده به کشت آن بپردازند.

۳- یکی از دهقانان زحمتکش در نامه‌ای به آیت‌الله منتظری به پائین بودن نرخ خرید دولتی گندم اعتراض کرده و گفته است که آیا سزوار است که قیمت گندم همان ۱۸ ریال باشد در حالیکه آرد را کیلویی ۳ تومان به همان کشاورز میفروشند؟ (رنجبر ۶۳، پنجشنبه ۲۲ خرداد).

۴- گندمکاران روستایی "اجبارکلا" از حومه آمل که پس از برداشت محصول برای فروش گندم خود به مقامات دولتی مراجعه کرده‌اند و وقتی که می‌بینند مسئولین قیمت خرید را ۱۸ ریال ذکر می‌نمایند اعتراض کرده و گندمها را تحویل ابزارهای دولتی می‌دهند و از دریافت پول امتناع می‌کنند. آنها گفته‌اند که موقع کشت ما گندمها را کیلویی ۲۶ ریال از بازار خریداری نموده‌ایم و باین همه زحمت، دولت با قیمتی که تعیین کرده زحمت ما را نادیده گرفته و ما هم به هیچ عنوان حاضر به معامله باین قیمت نیستیم. (رنجبر ۶۹، پنجشنبه ۵ تیر).

قیمت عادلانه یا صدقه؟  
وزیر کشاورزی در اظهارات دولتی خود از افزایش قیمت خرید دولتی گندم حرف میزند که گوئی به دهقانان زحمتکش میهن ما صدقه میدهد! ایشان حتی اگر فقط روزنامه‌ها را میخواندند از اظهارات آیت‌الله منتظری با خبر میشدند که در خطبه نماز جمعه ۲۳ خرداد در قم اظهار کردند که: "به چه ملاکی گندمی را که برای آنها ۲۳ الی ۲۵ ریال تمام میشود از آنها ۱۸ ریال می‌خرید؟ بابا از آنها جنسهایشان را به قیمت خوب بخرید. این بهترین خدمت به کشاورزان است. گندمکاران داخلی مدتهاست که فریاد اعتراض خود را به پائین بودن قیمت دولتی خرید گندم بلند کرده‌اند. دهقانان زحمتکش میهن ما که برای مقابله با محاصره اقتصادی دشمن هروجوب زمینی را که قابل کشت بوده است بزیر کشت گندم برده‌اند، و وقتی که دیدند دولت با تعیین قیمت غیر عادلانه‌ای زحمت آنها را اینطور پاسخ میگوید اعلام کردند که: ما حاضر نیستیم گندمی را که بول بدر آنرا از شکم زن و بچه خودمان زده‌ایم و آنرا خودمان کیلویی ۲۶ ریال خریده‌ایم به این

نیست، بدون دادن توده‌ها انتقادات و پیشنهادات توده‌ها قادر نخواهیم بود آنانرا رهبری کنیم، همانگونه که یادگرفتن بدون رهبری کردن بی معنی است. ج - در خاتمه در کار توده‌های باید به جمعیندی منظم از تجارب، ارتقاء سطح این جمعیندی ها به قانونمندیهای عمومی کار توجه ویژه نمود و این جمعیندی ها را بطور منظم در اختیار بقیه‌ی رفقای حزبی قرار داد. بدون جمعیندی، کار ما رشد نمی‌تواند بکند و تجارب به صورت ناخستهای که در آن مخلوطی از درست و نادرست موجود است باقی خواهد ماند. جمعیندی وسیله‌ی مهمی برای حل مناسبات تئوری و پراتیک و جهش شناخت حسی به تعقلی میباشد.

قیمت نازل به دولت بفروشیم. به چند خبر زیر توجه کنید:  
۱- دهقانان "رستم آباد" ورامین بخاطر پائین بودن قیمت خرید محصولات کشاورزی و نبودن تسهیلات فروش اظهار ناراضی کرده و ابزار کرده‌اند که ممکن است دیگر کشاورزی نکنند. (رنجبر ۶۳، پنجشنبه ۲۲ خرداد).

۲- روزنامه جمهوری اسلامی روز سه شنبه ۱۳ خرداد نامه‌ای از اهالی یکی از روستاهای ورامین را چاپ کرد که در آن از نرخ خرید گندم به قیمت هر کیلو ۱۸ ریال اظهار ناراضی شده بود. گندمکاران اظهار کرده بودند که باین نرخ برایشان مقرون بصره نیست که گندمها را درو کنند و یا در سال آینده به کشت آن بپردازند.

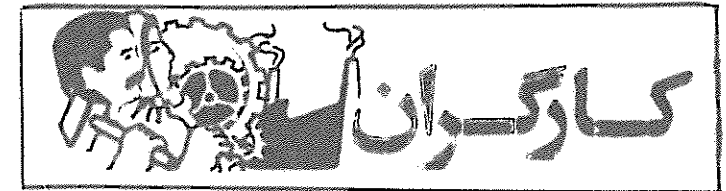
۳- یکی از دهقانان زحمتکش در نامه‌ای به آیت‌الله منتظری به پائین بودن نرخ خرید دولتی گندم اعتراض کرده و گفته است که آیا سزوار است که قیمت گندم همان ۱۸ ریال باشد در حالیکه آرد را کیلویی ۳ تومان به همان کشاورز میفروشند؟ (رنجبر ۶۳، پنجشنبه ۲۲ خرداد).

۴- گندمکاران روستایی "اجبارکلا" از حومه آمل که پس از برداشت محصول برای فروش گندم خود به مقامات دولتی مراجعه کرده‌اند و وقتی که می‌بینند مسئولین قیمت خرید را ۱۸ ریال ذکر می‌نمایند اعتراض کرده و گندمها را تحویل ابزارهای دولتی می‌دهند و از دریافت پول امتناع می‌کنند. آنها گفته‌اند که موقع کشت ما گندمها را کیلویی ۲۶ ریال از بازار خریداری نموده‌ایم و باین همه زحمت، دولت با قیمتی که تعیین کرده زحمت ما را نادیده گرفته و ما هم به هیچ عنوان حاضر به معامله باین قیمت نیستیم. (رنجبر ۶۹، پنجشنبه ۵ تیر).

آنجا دست به هر جنایتی زد، کسی حق اعتراض و اظهار نظر ندارد. اعتراض شوروی به ایران از ماهیت امپریالیستی شوروی برمیخیزد که می‌کوشد با ارباب و تهیدیده‌هایستگي خلقهای ایران و افغانستان را به هم بزند و آنها را از یک دیگر جدا سازد. این اخطار تمام آن ادعاهای پوچ و دروغین شوروی در مقابل ایران و حمایت زورورانه او را از انقلاب ایران بر ملا می‌سازد. اخطار شوروی توهینی به خلق ایران و مداخله مستقیم در امور مربوط به ایران است."

توفان می‌افزاید: "اگر به دولت ایران در مساله افغانستان یک انتقاد وارد باشد این نیست که چرا به افغانی‌ها اجازه بپناهندگی داده، بلکه برعکس انتقاد اینست که چرا برای تحکیم همبستگی خلقهای ایران و افغانستان و کمک به مبارزین افغانی که خواهان استقلال واقعی و آزادی از یوغ سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم هستند، از حدود شعار و حرف و برخی اقدامات جزئی فراتر نرفته است."

موارد ذکر شده بالا تنها موارد اعتراضی گندمکاران کشور نیست. اخباری که از مناطق مختلف می‌رسد خبر از نارضایتی شدید دهقانان از قیمت تعیین شده دولتی و مقاومت آنان در مقابل این عمل دولت میدهد. دوریال اضافه قیمت گندم تغییر چندانی در مسئله نمی‌دهد. افزایش قیمت دولتی خرید گندم باید بنحوی باشد که کار کشاورزی برای کشاورزان زحمتکش که برای خود کفایت کشاورزی و تامین استقلال اقتصادی کشور جان میکنند، بصره باشد. ولی معلوم نیست که چه عواملی باعث میشود که مسئولین امر تا این حد خود را از خواست واقعی دهقانان بیگانه میکنند. دهقانان زحمتکش میهن ما احتیاجی به صدقه ندارند. آنها قیمت عادلانه محصول خود را میخواهند. نمونه دهقانان زحمتکش "اجبارکلا" مورد خوبی است و نشان میدهد که زحمتکش حاضرند محصول کار خود را بطور رایگان بدهند ولی حاضر به قبول شرایط غیر عادلانه نیستند! سرخستی مسئولین در مقابل خواست بحق و عادلانه زحمتکش و طفره رفتن از قبول واقعیت‌ها امر خطرناکی است و نزدیکترین نتیجه آن، دلسردی و بیاس دهقانان زحمتکش و رها کردن کار کشاورزی خواهد بود. در آن موقع هرگونه راه حلی نقش نوساروی بعد از مرگ سهراب خواهد داشت. تادیر نشده است بخود آئید!



راندگان مینی بوس های خط انزلی - هشتپر :

# ۷۰ کیلومتر با تومن صرف نمیکند

را با ما در میان می گذارند .

وضع جاده و تاثیر آن  
بر زندگی مردم منطقه

از آقای علی حسین دانش راننده مینی بوس می پرسیم : نظر شما درباره این جاده چیست؟ جواب میدهد: " راه خیلی خراب است و وسایل پدکی بسیار گران و در نتیجه استهلاک ماشین زیاد است. در ضمن چون راه بسیار خاکیه کشاورزان و دهکده های اطراف جاده از لحاظ بهداشتی بسیار در مضیقه هستند... ماهی یکبار هم می آیند با اصطلاح لکه گیری می کنند." او ادامه میدهد: "ش ماهه تمام جلوبندی و کمک فنر را ریختم بیرون. هر ماه باید کمک فنر را درست کرد و ش ماه به ش ماه باید خواباند تا رسیدگی کامل بشود. ماشین تازه راهم آهن کشی می کنیم... قبل از عید گفتند که بعد از تعطیلات عید جاده درست می شود. در کوچک محله بالا ده سنگاچین تابلو زده اند که شرکت مانا طرح راه سازی بندرانزلی... هشتپر. ولی هنوز خبری نیست. ضمنا از طرف چوب بری سطح اسفالت را به علت فرو رفتگی تیغ میکشند که باعث خالی شدن جاده و درفصل باران پاشیدن گل به اطراف میشود... جاده جای پارک ندارد و مینی بوسها مجبور به سوار و پیاده کردن مسافر در حاشیه کم عرضی جاده هستند... بعلاوه رفع عیوب فنی احتمالی اتومبیل از قبیل پنچر گیری و غیره بایستی در حاشیه کم عرض جاده انجام شود."

با بقیه راننده ها هم که صحبت کردیم همین حرفها را تکرار کردند. راننده ها می گویند،

دوستان عزیز رنجبر سلام! انشاء الله که حال همگی شما خوبست و دماغتان جاق. با طرح پاره های مشکلات صنفی از طرف محافل کارگری، حال ما هم دارد کم کم جا میاید.

حتما شما هم از برگزاری دومین کنگره سراسری شوراهای اسلامی کارگران در اصفهان اطلاع پیدا کردید. اما بنظرم ذکر یک خبر کوتاه در این باره کافی نبود. چون که این نشست با دیگر جلساتی که گردانندگان این تشکیلات کارگری تا به امروز برگزار کرده بودند، خیلی فرق میکرد. شما شاهد هستید که در مدت این یکسال که خورده های که از انقلاب ضد امپریالیستی و اسلامی ما میگذرد، به اسم ما و در دفاع از حق و حقوق مستضعفین، چه جلسات زیادی برگزار شده و همینطور ادامه دارد. البته با شعار تشکیل بین نشسته ها اغلب عده ای که خود را وابسته به حزب جمهوری اسلامی و دولت میدانند، خصوصا " آقای نعمت زاده وزیر کار در دست داشتند. ناگفته نماند که چپ نماها و شرق گرایان و دیگران هم اینجا و آنجا ورجه ورجه ای کردند.

هدف از این هوو جنجال ها تشکل ما در جهت حل مشکلات کارگری بود. ولی در باطن دور نگهداشتن از تشکل یعنی شقه شقه کردن و جلوگیری از بیان خواسته های صنفی و سیاسی منطقی و معقولمان بود. هدف ها مختلف بودند. گردانندگان دولتی عمدتا سعی در رسیدن به قدرت و در پارامی از موارد تحکیم قدرت داشتند و چپ نماها کشاندن انقلاب به شکست و دست آخر تسلیم کشور به ابر قدرت شوروی. بهمین جهت چون در عوارض ملاتصرالدین بود، سرمایه گلاهد ماند در نتیجه با تحکیم قدرت بخشی از هیئت حاکمه، فشار کارفرمایان و توسل به ماده ۳۳ طاغوتی برای اخراج ما، حتی خیلی بیشتر از سابق بر سر

ما سایه افتند. در واقع منتهی گامه لیس و بادمجان دورقاب چین که در زمان طاغوت هم به خیرچینی مشغول بودند، برای کسب قدرت استفاده کردند و نصیب ما هم وقت تلف کردن شد. در این مجامع کارگری همیشه کوشش میشود که با علم کردن اختلافات عقیدتی و مکتبی، که جای آن در کنار خواسته های صنفی نیست، مانع اتحاد و همبستگی، کارگران ایران گردند. مناسفانه بدلیل نداشتن هوشتیاری کافی، آنها در این زمینه ها کم و بیش موفق بودند. دلیل توفیق آنان اجرای قانون کار طاغوتی با وحدت و شدت بیشتر از زمان شاه خائن است. هرکس هم لب به اعتراض باین قانون ضد کارگری بجا آوردند، آقای نعمت زاده و افراد حزب جمهوری اسلامی، گشود با اسم ضد انقلاب کوشش را گفتند و با اردنگی انداختندش بیرون! وزارت کار و شرکاء تا قبل از این کنگره موفقیت آمیز، توانسته بودند، با طرح مطالب کلی و دهان پرکن و برانگیختن احساسات پاک میهنی و مذهبی از بازگو نمودن خواسته های واقعی ما کارگران جلوگیری نمایند. ولیکن فشار مدبران زورگو و تورم و گرانی، شدیدتر از آنست که بتوان برای همیشه تسلیم وعده ها و شعارهای توخالی وزارت کار شد. وزارت کار و افرادی که خود را طرفدار روحامی حزب جمهوری اسلامی میدانند باید بدانند که ما کارگران مثل بعضی از این کسانی که تازه مسلمان شده اند، نیستیم. پدران و رفقا ما پرچم پرافتخار اسلام علی را در مبارزات ملی و اسلامی بدوش کشیده و علیه پادشاهان و حکام مستبد زمان خود شوریده اند و تاپای جان از میهن و اسلام دفاع کردند و ما هم در این دوران پنجاه سال به شهادت تاریخ

بشهادت مبارزات دلوراته

## نامه يك کارگر به رنجبر :

# نباید مسائل صنفی را با جریانات عقیدتی و مکتبی قاطی کرد

بازدهم خرداد چهل و دو به گواه مبارزات پیگیر و قاطعانه سالهای اخیر از سرف و حیثیت ملی و اسلامی و کارگری خود دفاع کردیم و اکنون نیز با وجود مشکلات فراوان اقتصادی و اجتماعی آماده ایم خود وزن و فرزندانمان را در راه استقلال میهن از ابرقدرتهای شرق و غرب فدا کنیم تا جان در بدن داریم تسلیم هیچ تدرت خارجی و عوامل مزدور داخلیتمان نخواهیم شد.

بنابراین نباید مسائل صنفی را با جریانات عقیدتی و مکتبی قاطی کرد. هر چیز بجای خویش نیگوست. معلوم بود که یک روزی کنگره آسزهای وزارت کار که این آش شله قلمکار را درست میکنند بالاخره میبایست به ته دیگ میخورد. برگزاری این کنگره موفقیت آمیز در واقع باید درس عبرتی باشد برای دست اندر کاران وزارت کار.

امیدواریم که بیش از این سعی نکنند که مسیر ما را منحرف کنند. البته نظیر قطعه نامه دومین کنگره سراسری شوراهای اسلامی و حتی در برخی از موارد کاملتر از آن از طرف ما کارگران در کارخانه ها و اعتراضات کارگری هزاران بار صادر شده و با اطلاع آقای نعمت زاده رسیده. ولی برجسته کردن قطعه نامه این کنگره بدلیل اینکه از طرف خود دولت و تشکیلات کارگری که زیر نظر افراد وابسته به حزب جمهوری اسلامی است، اهمیت فراوانی دارد. چون تا امروز هرکس صحبت از ساعت کارمساوی برای تمام کارکنان مملکت چه دولتی چه خصوصی میکرد، یا حرف بیمه بیکاری را پیش میکشید، از مرخصی یکماهه آسی بمیان میآورد یا لغو ماهه ۳۳ طاغوتی را میخواست و دستمزدها را متناسب با قیمت ها نمیدانست، به اسم ضد انقلاب، کمونیست، اخلال در امر تولید و یا

دست آخر اگر در مقابل ما کارگران از این حربهای زنگ زده نمیتوانستند استفاده کنند، با پیش کشیدن ماده ۳۳ طاغوتی جلوی ابراز حقایق را میگرفتند. ولی شکر خدا که نمرودیم و شاهد و ناظر بیان این مطالب در حضور آقایان وزارت کاری ها شدیم. دیدیم که دیگر هم رنجبرهای ما بدور از هرگونه تعصبات و گرایشهای مکتبی در عین دفاع قاطعانه تاپای جان از جمهوری اسلامی ورهبر کیسر انقلاب شوکمند اسلامیان، مشکلات صنفی نابودکننده و تحمل ناپذیری که اکثر ما کارگران و زحمتکشان با آنها دست بگریبانیم، بیان داشتند

بدینوسیله از سرف کارگری خود از خون پاک شهیدان وطن دفاع کردند. یکبار دیگر نشان دادند که هیچ حزب و گروهی هرچقدر هم حقانیت و طرفدار داشته باشد و راهش درست باشد، قادر نیست خواسته های قشری خود را به ماتحمیل کند. چون این ما هستیم که باید خون خود و خانواده مان را ببیدریغ نثار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی نمائیم.

در برابر این ایتار واز خود گذشتگی، گردانندگان مملکتی میبایستی به فرامین امام امت گوش فرا دارند. امام وضع در هر حال میفرمایند به وضع کارگران و زحمتکشان رسیدگی کنید.

بنام یک کارگر متعهد و استقلال خواه قطعه نامه دومین کنگره سراسری شوراهای اسلامی را که گامی مؤثر در بیان بخشی از خواسته های حقیقی تمام کارگران و زحمتکشان ایرانست، به شرکت کنندگان این کنگره تبریک میگویم.

امیدوارم این صراحت بیان و دفاع شرافتمندانه از خواسته های صنفی و اتحاد کلیه کارگران از طریق طرح مشکلات کارگری بدور از تعصبات مذهبی و مکتبی، روز بروز رشد و تکامل بیشتری یابند.

به امید آرزو

مسکن زحمتکشان ...  
بقیه از صفحه ۴

مقدار حق مسکن بیشتر پرداخت نشد! تازه ساء از زحمتکشان

روستایان شریف آباد ساری



رفع تیارهای بهداشتی و پزشکی خود و احشامان و همچنین خرید کالاهای مواد غذایی و خلاصه در دهها مورد دیگر احتیاج حیاتی به رفت و آمد به شهرک ها و شهرهای منطقه دارند. با وجود چنین جاده‌های کاملا اشکارساز که اولاً بعلت خرابی بیش از حد جاده رفت و آمدها بطول می‌انجامد که این باعث اتلاف وقت زحمتکشان میشود. در ثانی عبور و مرور دائم و سایش و نقلیه در این جاده فضای منطقه را پر از گرد و خاک میکند. هجوم خاک علاوه بر پوشاندن زندگی و خانه زحمتکشان و آسیب جدی به مزارع و شالیزارشان متأسفانه سلامت جسمی این عزیزان را نیز بخاطر انداخته است. از طرف دیگر رانندگانی که با اتومبیل‌های گرایه خود از قبیل مینی بوس و اتوبوس مسافربری زندگی خویش را تأمین میکنند گفتنی‌ها و درد دل‌های زیادی دارند.

۷۰ کیلومتر با ۶ تومان صرف نمیکند آنها می‌گویند: وزارت راه کار نمیکند. لگه گیری هم مرتب نیست. بخاطر خرابی راه یک ساعت ونیم توی راه هستیم. منطقه شمال بیشتر فصول بارانی است و... باید هرچه سریعتر دست بکار بشوند آنها می‌گویند: "ماشینهای شخصی نیابستی کار کنند". رانندگان قبلاً قرار بود اعصاب کنند که بخاطر رفاه کارگران منصرف شدند. در مورد بیمه می‌گویند: "بیمه راننده ها قبلاً ۴۸۶۰ ریال بود که نصف آن رومی پرداختیم و یکسال ۲۵۰۰ ریال دادیم... الان نمیدانیم چون خرج ماشین‌ها زیاد شده ولی گرایه‌ها ثابت است".

با اعضای اتحادیه که صحبت کردیم خواسته‌های زیر را داشتند: ۱- حق بیمه عادلانه باید ۱۰٪ باشد که فعلاً ۲۸٪ می‌گیرند. ۲- کمبود ماشین هست که تقاضایی به اطاق بازرگانی داده‌ایم بازرگانی ایران ناسیونال خودش ماشین‌ها را به منطقه گیلان داده ولی هنوز خبری نیست. تعریض و اسفالت جاده‌انزلی - هشتر خوست مردم منطقه و رانندگان زحمتکش این جاده می‌باشد با توجه به نقش و اهمیت این جاده از نظر ارتباطی و تأثیری که در زندگی مردم زحمتکش منطقه دارد، طبیعی است که دولت باید هرچه سریعتر برای تعریض و اسفالت آن اقدامات لازم را انجام بدهد. اسفالت و احیای این جاده شهرها و روستاهای متعدد این منطقه را به یکدیگر متصل میکند. که این امر در رفع حوایج زحمتکشان منطقه تأثیر بسزایی دارد. همچنین از استهلاک بیمورد اتومبیل‌ها و هدر رفتن سرمایه‌های هنگفتی که باید صرف خرید لوازم یدکی گردد و از ضرر هایی که به رانندگان زحمتکش این خط وارد میشود، جلوگیری بعمل خواهد آمد. از طرف دیگر دولت باید به خواسته‌های مشروع و بحق رانندگان این خط توجه نماید و با گاستن از بار بوروکراسی و کاغذبازی های اداری ماشین‌های مورد نیاز این خط را هرچه سریعتر در اختیار رانندگان این خط قرار بدهد. تعدیل حق بیمه و تأمین رفاه رانندگان زحمتکش این خط از جمله خواسته‌هایی است که باید مورد توجه قرار گیرد. طبیعی است که رانندگان زحمتکش این خط در سایه تشکل و مبارزه و بافتاری روی خواسته‌های عادلانه خود به پیروزی نائل خواهند شد.



روستائیان قریه «یوشانلو» (میان ۱۰۰ - آذربایجان):

# اگر قناتمان لایروبی نشود نام روستای ما از صفحه جغرافی پاک خواهد شد

قریه‌یوشانلو دارای حدود ۲۰ خانوار ۱۰۰ نفر جمعیت میباشد که عمدتاً از راه کشاورزی و دامداری بصورت بسیار ضعیف امرار معاش میکنند. تعدادی از این ۲۰ خانوار کارگر فصلی و تعداد بسیار کمی کارگر کشاورزی میباشند. این روستا ۴۰ کیلومتری جنوب شهرستان میانه قرار گرفته و ۴ کیلومتر از ایستگاه راه آهن میانه فاصله دارد. دارای جاده‌خاکی ماشین رومی‌باشد که فقط در فصل تابستان قابل استفاده است. این جاده چند سال پیش توسط شرکت‌هایی که لوله‌گاز را از جنوب بطرف شمال نصب میکردند توسط گریدر بصورت بسیار اولیه تیخ انداخته شده. خط لوله مذکور از این ده میگذرد.

این روستا دارای ۹۶ شعیر از شش دانگ زمین دارد که عمدتاً بصورت مرتع میباشد و برای دامپروری و دام داری بسیار مناسب میباشد. مقدار کمی زمینهای مزروعی بصورت دیم هم دارد. روستا از لحاظ آب آشامیدنی و مزروعی بسیار در مضیفه است و هر ساله بعلت کمبود آب تعدادی از کوسفندان این ده تلف شده‌اند و زمین میروند. آب آشامیدنی و مزروعی این روستا از قنات تأمین میشود و چندین سال است که این قنات لایروبی نشده و روز بروز از حجم آب آن کاسته میشود اگرچنین پیش برود و مسئولین مربوطه به این مسائل و ضروریات روستایی رسیدگی نکنند در مدت بسیار کوتاه خشک شده و نام این روستا همچون بسیاری از روستاها از صفحه جغرافی پاک خواهد شد!

وضع بهداشت و درمان عمومی این روستا نیز بسیار بد است و هیچ گونه امکانات درمانی و بهداشتی در این روستا چشم نمیخورد. روستا دارای یک مدرسه یک کلاسه میباشد که معلم آن چندان به درس بچه‌های محروم از همه چیز نمیرسد. چندی پیش اهالی ده شکایتی علیه او به اداره فرهنگ نوشتند و رونوشت آن را برای استاندار آذربایجان شرقی و کمیته انقلاب اسلامی میانه فرستادند. شکایت بجزریان افتاد و بعد از چند ماه نتیجه این شد که اداره فرهنگ به نامبرده اخطار داد که اگر برای دفعه دوم شکایتی حتی با امضای دو نفر از اهالی روستا علیه شما بدست ما برسد دیگر از راه قانونی اقدام خواهیم نمود. که معلوم نیست چنین چیزی واقعیت داشته و یا اینکه تشریفات اداری بوده و جهت گول زدن اهالی بوده است!

# محرورم از ابتدائی ترین امکانات زندگی

دیداری داشتیم از روستای "شرف آباد" و صحبتی با چند تن از اهالی این روستا قسمتی از مشاهدات و صحبت هایمان را در اینجا می‌آوریم. مردم این روستا مانند میلیون‌ها زحمتکش دهات دیگر کشور در شرایط دشواری زندگی میکنند. اقلیتی از روستا قبل از این به شغل دامداری اشتغال داشته‌اند. ولی چون رژیم گذشته کمر به نابودی دامداری بسته بود و مراتع و چراغی چهارپایان که در رابطه مستقیم با زندگی دام میباشد توسط شاهپورها و امراء ارتش تصاحب شده بود تا آنکه قادر به ادامه کسار نبودند اکثر اهشام خود را فروخته و برای امرار معاش و گذران زندگی به شهرها مهاجرت نمودند.

این روستا فاقد جاده ماشین روی می‌باشد و توسط یک پل چوبی که روی رود "تجن" بسته شده می‌توان باین روستا رفت و آمد نمود. بعلت نزدیکی به دریا آب مصرفی شور بوده و قابل مصرف نمیشد. آرزای شور برای شستن لباس و آب مصرفی برای احشام خود استفاده میکنند. آب خوراکی را از راه دور و با زحمات زیاد تهیه میکنند روستا فاقد حمام می‌باشد و اهالی برای استحمام به مکان دیگری - فرج آباد - میروند. آب این حمام از رود "تجن" تأمین میگردد که دارای نمک می‌باشد. ساکنان این نقاط مجبورند از همین حمام استفاده کنند. ولی برای شستن سر یک سطل آب شیرین با خود به حمام میبرند تا سرشان شوره نبندد.

زمین‌ها بعلت داشتن نمک برای کشاورزی نامساعد است و اشکالات فراوانی ایجاد می‌کند. دهقانان اکثراً پنبه‌کاری می‌کنند. روستا یک دبستان پنج کلاسه هم دارد که از نظر ساختمانی هیچ شباهتی به مدرسه ندارد. اهالی این روستا خواهان رسیدگی مسئولین امر و حمایت هرچه بیشتر از این روستائیان در امر رفاه و تأمین هرچه بیشتر نیازمندی‌های خود میباشند.

و کارگران از همین "حق مسکن" اعطایی نیز برخوردار نیستند. مثلاً بیش از ۶۰۰۰۰ نفر که در کارگاه های کوچک شهری مشغول بکارند برای آنها اصولاً چیزی به نام "حق مسکن" مطرح نیست. این کارگران در بدترین و بی‌ثبات ترین وضع زندگی قرار دارند. از آن جمله‌اند کارگران کارگاههای نجاری، آهنگری، تراش کاری، جلوکبابیها، بافندگی‌های کوچک و....

## زحمتکشان چه می‌گویند؟

پس از انقلاب زحمتکشان با صبری بس انقلابی منتظر پاسخگویی حاکمین به خواسته‌هایشان شدند. زحمتکشان اکنون دیگر دریافته‌اند که "حق گرفتاری است و نه دادنی". برای حل مشکل مسکن مردم و بویژه زحمتکشان روحیه همکاری و تعاون خود را نیز با واریز کردن ۳۰۰ میلیون تومان به حساب ۱۰۰ نشان داده‌اند.

اکنون نوبت مسئولین است که توضیح بدهند با این مقدار پول چه مقدار از مشکل مسکن زحمتکشان را حل کرده‌اند؟!

برای حل مشکل مسکن هیچ اقدام اساسی صورت نگرفته و این در حالی است که امکانات زیادی برای حل این مشکل در اختیار دولت قرار دارد.

خواست زحمتکشان در رابطه با مشکل مسکن به شرح زیر است:

- ۱- دولت موظف به تأمین مسکن کارگران است. این مسکن باید متناسب با احتیاجات آنها باشد و از وسایل رفاهی کافی برخوردار بوده و محیط بهداشتی داشته باشد.
- ۲- مسکن کارگران باید در مسافت بسیار دور از کارخانه و محل کار قرار نداشته باشد، تا با وجود تمام مشکلات دیگر، کارگران مجبور نباشند هر روز چند ساعت از وقت و نیروی خود را در راه خانه تا کارخانه تلف نمایند.
- ۳- تا حاضر شدن این خانه‌ها، دولت موظف است حق مسکنی متناسب با اجاره خانه‌ها به کارگران بپردازد. بطوریکه آنها بتوانند خانه‌ای مناسب با تعداد افراد خانواده خود تهیه نمایند.
- ۴- در این زمینه نباید کارگران بازتشنه و از کار افتاده و بی‌کسار فراموش شوند. آنها نیز باید مانند کارگران شاغل از "حق مسکن" کافی ویا مسکنی مناسب برخوردار باشند.

# مسکن زحمتکشان وعده‌ند هید عمل کنید



باز هم بزرگتر کرد .  
 بیگاری، وضع بد کارگران  
 شاغل این بنیاد و ... و عدم پیگیری  
 در اجرای برنامه‌ها و ... از جمله  
 مشکلاتی است که این "بنیاد" بسر  
 مشکلات جامعه افزوده است . از جانب  
 دیگر، مسئولین امر بدون تسادد  
 نظر با یکدیگر رسیدن به نقاط مشترک  
 عمل کرده‌اند و هر کدام سعی در  
 پیشبرد برنامه‌های یا در هوای خود  
 داشته‌اند . باین ترتیب بازم ملت  
 محروم ما شاهد دعوای بر سر قدرت  
 حاکمین است و حرکتی در جهت حل  
 مشکل خود مشاهده نمی‌کند .

**«حق مسکن»**  
**یک شوخی**

شیراز (آقای صفر نصیری) میگوید :  
 ۱۵ سال است که در شهرداری گسار  
 می‌کنم . استخدام رسمی هم هستم .  
 با هفت سرقاطله باید برچی ۶۰۰  
 تومان غله خانه (کرایه‌خانه) بدهم  
 ... یکماه است که صاحب خانه بهمن  
 ابلاغ کرده است که باید منزل را خالی  
 کنم ... الان هم سربرج است . اگر  
 بلند نشوم صاحبخانه وسایلم را بیرون  
 می‌ریزد ...  
 اینها ودهها نمونه دیگرناشی  
 از عدم قاطعیت دولت در حل مشکل  
 مسکن زحمتکشان است . حاکمیت  
 برنامه مشخص برای حل مسایل ملکیتی  
 بطور عام وبخصوص مشکل مسکن  
 ندارند . چند مرکزیتی و وجود مراکز  
 متعدد در تصمیم گیری نیز بر این  
 مشکلات افزوده شده است . زحمتکشان  
 نمی‌دانند با چه مرجعی طرف هستند

که در برنامه داشته‌اند فقط ۵۰ خانه  
 ساخته شده است که آن هم هنوز کامل  
 نیست !  
 ۲- دررگران، زحمتکشی برای  
 ساختن دیوار خانه‌ای که در اجاره  
 داشته مجبور به خرید آجر دست دوم  
 به قیمت هزاری ۱۷۰ تومان شده است  
 ... آن هم آجرهای شکسته و ناسالم  
 از خانه‌ای که خراب کرده بودند !!  
 ۳- یکی از کارگران شهرداری

برنامه حزب رنجبران ایران  
 در زمینه مسکن برای زحمتکشان  
 \* دولت باید برای کارگران و

## مسکن: يك حق طبیعی و قانونی

اصل سی و یکم قانون اساسی  
 کشور در زمینه مسکن چنین میگوید :  
 "داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق  
 هر فرد و خانواده ایرانی است . دولت  
 موظف است با رعایت اولویت برای  
 آنها که نیازمندترند بخصوص روستا-  
 نشینان و کارگران زمینه اجرای این  
 اصل را فراهم کند .  
 باید پرسید که در ۱۶ ماه گذشته  
 دولت چه اقداماتی را برای پیاده  
 کردن این اصل انجام داده است ؟  
 در این مدت دهها بار مقامات مسئول  
 قول و وعده وعید داده‌اند که مشکل  
 مسکن را سریعاً حل خواهند کرد ! حتی از  
 "حل قطعی مساله مسکن تا سه سال  
 دیگر" و "رفع بحران آن تا زمستان"  
 صحبت کرده بودند ولی باید پرسید  
 که چه قدم موثری در این راه برداشته  
 شده است ؟! واقعیت این است که در  
 این مدت مسئولین بجای برنامه‌ریزی  
 منظم و روشن به وعده دادن  
 پرداخته‌اند . . .  
 گزارشها و خبرهای فراوانی که  
 هر روز در این رابطه میخوانیم و می-  
 شنویم فشار مشکل مسکن بر مردم و  
 بی‌برنامگی مسئولین امر را نشان  
 میدهد . به چند مورد زیر توجه  
 کنیم :

- ۱- بنیاد مسکن آبادان نسه  
 تنها مشکل مسکن این شهر را حل  
 نکرده بلکه خود نیز در مساله  
 بوروکراسی قوزی بالای قوز شده است .  
 برنامه‌های ساختمانی آن گاملا "پیاده  
 نشده‌اند . مثلا به جای ۲۲۰ دستگاه

در این محله‌ها سریناه آدمها را  
 تشکیل میدهد ، بیشتر به لانه مرغ  
 شباهت دارد تابه یک "خانه" که  
 شایسته و درخور این انسانهای  
 زحمتکش باشد .  
 در این محله‌ها کارگران و  
 زحمتکشانی زندگی میکنند که عموماً  
 از صبح تا شب در کارخانه‌ها به کارهای  
 طاقت فرسا مشغولند و عصر خسته و  
 کوفته برای رفع خستگی و تجدید نیرو  
 به "خانه" هایشان می‌آیند . در این  
 "خانه‌ها" ی پرهیاهو و شلوغ و محروم  
 از امکانات رفاهی ، درسرای زمستان  
 و گرمای تابستان ، زحمتکشان چاره‌ای  
 ندارند جز آنکه انتظار روز بعد را  
 بکشند تا مجدداً به کارخانه و بسه  
 سر کار باز گردند .

## انقلاب و مشکل زحمتشان!

پس از انقلاب وضع مسکن  
 زحمتکشان تغییر چندانی نکرده است  
 و حتی میتوان گفت که نسبت به قبل بدتر  
 هم شده است . تا قبل از انقلاب  
 زحمتکشان علی‌رغم قیدوبندها و  
 ممانعت‌های رژیم میتوانستند در  
 محلات حاشیهای شهر آلونک یا  
 زاغهای برای خود دست و پا کنند . و  
 یادر محله‌های پرازدحام و شلوغ  
 جنوب شهر خانه‌ای رایبه هر ترتیب  
 اجاره نمایند . ولی از بعد از انقلاب  
 این امکانات از آنها گرفته شده است  
 در بسیاری موارد به آنها اجازه  
 احداث آلونک و سریناه در مناطق  
 حاشیه نشین شهر داده نمیشود .  
 اجاره خانه‌ها هم بنحو سرسام آوری  
 بالا رفته است . آنچه هم که تحت  
 عنوان "حق مسکن" به کارگران داده  
 میشود بهیچ وجه با اجاره‌های سرسام  
 آور تناسب ندارد . و با توجه به تورم  
 بیگاری، بی‌خانگی، و با دستمزد کم  
 که زحمتکشان در صورت اشتغال به  
 کار بدست میاورند چگونه میتوانند  
 علاوه بر تکفل خانواده خود، از پس  
 اجاره‌خانه‌های گران و سرسام آور

مسکن یکی از احتیاجات اولیه  
 انسانهاست و هر جنبیده‌ای حق دارد  
 که سریناهی داشته باشد تا پس از کار  
 طاقت فرسای روزانه بتواند بپناه برود .  
 اما در کشور ما کارگران و زحمتکشان حتی  
 از این حق ابتدایی هم محروم هستند  
 و داشتن یک مسکن خوب و مناسب  
 برای آنها سالهاست که به صورت رویا  
 و افسانه درآمده است . آنها به جای  
 داشتن مسکن خوب و مناسب در بیخوله  
 های بنام "خانه" و محروم از همه  
 گونه تسهیلات و امکانات رفاهی  
 زندگی میکنند و مجبورند درصد مهمی  
 از حقوق و دستمزد خود را بابت اجاره  
 همین بیخوله‌ها بپردازند .

رژیم سابق مدعی ساختن خانه‌های  
 ارزان قیمت بود . ولی این خانه‌ها  
 پس از ساختمان در اختیار افراد غیر  
 کارگری و طبقات و قشرهای نخبه مرته  
 قرار داده میشد . تشدید فعالیت‌های  
 ساختمانی و خانه‌سازی در سالهای  
 قبل از سقوط رژیم نیز عمدتاً در  
 خدمت طبقات مرفه جامعه و وابستگان  
 رژیم قرار داشت و کارگران و  
 زحمتکشان را از این نعمت کلاهی نبود .  
 در واقع این خود زحمتکشان بودند  
 که در آن زمان دست به کار شده و  
 برای ایجاد سریناهی برای خود  
 اقدام به خانه سازی میکردند . و  
 شاهد بودیم که این حرکت عظیم  
 و سازنده زحمتکشان که به جنبش خانه  
 سازی معروف شده بود چگونه توسط  
 قوای انتظامی و نیروهای اعزامی  
 رژیم سرکوب میشد .

پس از انقلاب و در طی ۱۶ ماه  
 گذشته نیز محرومیت کارگران و  
 زحمتکشان کشور در زمینه مسکن  
 همچنان بقوت خود باقی است و  
 علی‌رغم شعارها و وعده و وعیدهای  
 زیادی که هر روز از طرف مقامات و  
 مسئولین داده میشود هنوز مشکل  
 مسکن زحمتکشان حل نشده است .

## لانه مرغ یا خانه

در حال حاضر اکثریت کارگران  
 و زحمتکشان در خانه‌های چند اتاقی  
 که در هر اتاق یک یا دو تا سه خانواده

کدر هر اتاق یک یا دو تا سه خانواده سکنی دارند زندگی میکنند. جمعیت کثیری از زحمتکشان هم در محله‌های حاشیه نشین سکونت دارند. در همین تهران در محله‌های فلاح، قلعه مرغی، شهرک ولی عصر، شمیران نو، یاخچی آباد، دولت آباد، خانی آباد، اطراف تهران پارس، خاتون آباد، محمودآباد، یافت آباد، وحلی آباد و... که محل زندگی کارگران و زحمتکشان است، تراکم جمعیت به حد انفجار آمیزی رسیده است. این محله‌ها از بسیاری امکانات رفاهی و تسهیلات زندگی محروم هستند. در این محله‌ها از حمام خبیری نیست. آب لوله کشی ندارند و برای تهیه آب باید مسافتی راه رفت و تازه در صف آب منتظر ایستاد. خانه‌ها نمناک و مرطوب است. اتاقها آفتاب رونیست. بامها چکه میکنند. چیزی به نام بهداشت وجود خارجی ندارد. کوچه‌ها اسفالت نیست و گذرگاههای محله‌ها پر از آشغال و زباله است. جایی برای انتقال و عبور گنداب و فاضلابها وجود ندارد و محله‌ها آکنده از زباله و لجن سلامتی ساکنین این محله‌ها را تهدید میکند. و در واقع آنچه که

اجاره خانه‌های خزان و سرد و بر سر آمد؟ آنها گاه ناچار میشوند بیش از نصف حقوق و دستمزد خود را برای اجاره مسکن بپردازند و تازه صاحبان خانه نیز بعلت هرج و مرج موجود جرات نمیکند خانه‌های خود را اجاره بدهند.

پشت شیشه نگاههای معاملات ملکی میخوانیم که: "خانه، آپارتمان، فقط فروشی!" و هنوز هم مثل سابق باید وثیقه‌های کمرشکنی - حتی تا ۵ هزار تومان - برای اجاره یک خانه محقر دو اتاقه پرداخت نمود. از طرف دیگر مشکل مسکن پس از انقلاب بعلت مهاجرت‌های وسیع روستائیان به شهرها شدت بیشتری یافته است. در همین مدت حدود ۱/۵ میلیون نفر فقط به جمعیت تهران افزوده شده است. اینها عموماً روستائیان هستند که در ۱۶ ماه گذشته به تهران مهاجرت کرده‌اند. آنها به مهاجرین قبلی که به خانه‌هایی با دیوار پیت حلبی و... راضی شده بودند اضافه شده‌اند. کارهای ساختمانی هم متوقف شده است. و تازه آن مقدار کار ساختمانی هم که قبلاً وجود داشت به منظور حل مشکل مسکن زحمتکشان نبود.

**دهقانان مسکن فراهم سازد و با قیمت بسیار ارزان و بطور قسطی در اختیار آنها قرار دهد، (هر قسط ماهیانه نباید بیش از ۲۰٪ درآمد ماهانه فرد یا خانواده باشد). هم چنین وام مسکن با شرایط سهل و بدون بهره باید در اختیار زحمتکشان به خاطر تهیه مسکن گذاشته شود.**

**\* بوجود آوردن امکانات سکونت زحمتکشان در محله‌های نزدیک به محیط کار با توجه به جلوگیری از ایجاد وابستگی میان محل سکونت و محیط کار.**

**\* باید مسکن ارزان برای مردم از طریق تنزل دادن اجاره بهای خانه‌ها، قیمت زمین و مصالح ساختمانی، قیمت فروش خانه و گسترش برنامه سازی تامین گردد.**

(نقل از "رنجبر" ۱۷)

# مرسوم!

... موارد زیادی از مراجعات مردم به بنیاد مسکن وجود دارد - با هزار سردا شدن و کاغذبازی آخر، کاربسیا دادن یک شماره روی یک تکه کاغذ تمام میشود!

از خانه‌هایی که از طرف این بنیاد واگذار شده است، چه تعداد آن در اختیار زحمتکشان قرار گرفته است؟ مگر به علت بی برنامه‌گی و گیچی مسئولین نبوده که گروه‌های معینی که عموماً غیر کارگری و وابسته به قشرهای نیمه مرفه و حتی مرفه جامعه بوده‌اند با استفاده از هرج و مرج موجود خانه‌های خالی را اشغال کرده‌اند؟! در حالیکه اکثر بیست زحمتکشان همچنان با مشکل مسکن دست بگریبان هستند و هنوز در انتظار اقدامات "بنیاد مسکن" بنهسته‌اند؟! بنیاد مسکن که در ابتدای امر بمنظور رفع احتیاجات مستضعفین ایجاد شد، در عمل هیچ کار مثبتی انجام نداد و به دلیل عدم شناخت صحیح مسایل و مشکلات جامعه و بی برنامه‌گی حاکمین، نتوانست به احتیاجات مردم پاسخ گوید و عملاً مشکلی بر مشکلات افزود و دستگاه عریض و طویل اداری و کاغذ بازی را

معاون وزارت کار و امور اجتماعی اخیراً نکاتی را درباره دست زده‌است. نامبرده نرخ تورم را ۱۲٪ اعلام کرده یعنی درست میزان افزایش دستمزدی که به کارگران اعطا کرده‌اند! اما این نرخ با نرخ تورم واقعی (بیش از ۵۰٪) تفاوتی فاحش دارد. برخی از مواد غذایی - اگر نایاب نباشند - قیمتشان سر به آسمان زده است. قیمت هر کیلو گوشت از مرز ۶۰ تومان گذشته است. برنج بالای ۱۶ تومان است. تخم مرغ گاهی سی دانهای ۱۵ تا ۲۰ ریال فروخته می‌شود و... اینها مواد غذایی ساده هستند! مسئولین، حق مسکن را در حد ۴۰۰ تومان (حد اکثر) متوقف کرده‌اند. باید پرسید که در کجای شهر کدام دخمه‌ای را ۴۰۰ تومان اجاره میدهند؟ معاون وزارت کار در این حال دستور فرموده‌اند که در هیچ کجا از این بقیه در صفحه ۳

## خلاصه ای از یک مقاله کیهان

# انشعاب: توطئه روسیه

در شماره سه شنبه ۳ تیرماه روزنامه کیهان، مقاله‌ای درج گردید با عنوان "انشعاب آخرین نیرنگ بیشران واپس مانده". این مقاله تحلیلی است بر انشعاب اخیر سازمان چریکهای فدائی خلق، مادر زیر خلاصه‌ای از آنرا نقل میکنیم.

مقاله پس از مقدمه‌ای پیرامون اهمیت انقلاب اسلامی و شکست امپریالیسم آمریکا در برابر این انقلاب به توطئه‌های ابرقدرتها برای اعاده سلطه خود بر میهن ما پرداخته و در این رابطه بحث خود را چنین آغاز میکند:

"انشعاب توطئه روسیه"

امپریالیستها همواره از طرق گوناگون به مبارزه با انقلابها و ملتها رفته‌اند که یکی از آن طرق، استفاده از "ستون پنجم" میباشد و روسیه شوروی نیز که در ایران اهداف خاصی را دنبال میکند گروههای فشاری در داخل کشور دارد که بمثابة اهرمهای قدرت این دولت عمل میکند. چنانکه اشاره شد "حزب توده" مطمئن ترین و محکمترین اهرم روسیه در ایران است که بعلت مختلف نتوانست نیروهای فراوانی را بدور خود جمع کند، نتیجه این عدم موفقیت این است که روسیه از جهت کمی نیروهای بالنسبه اندکی در بین گروه های چپ را در اختیار داشته باشد، از اینجاست که طرح و برنامه ریزی برای جذب و جلب نیروها به اردوگاه گروه چپ طرفدار مسکو آغاز

شده در این مسیر، دو مسئله در مقابل قرار داشت:

(۱) تبلیغ و فعالیت جذب افراد از جامعه اسلامی.

(۲) فعالیت آشکار و پنهان در جهت جذب افراد از گروههای چپ.

عللی که ذکر خواهد شد، تنها گروهی که قابلیت شدید جذب را داشت "سازمان چریکهای فدائی" بود و گروههایی نظیر پیکار، رزمندگان، توفان وغیره به علت مخالفت همه جانبه و مصرانه‌شان با حزب توده و نیز سوسیالیست دانستن شوروی قابل جذب نبوده و بعنوان ضد انقلابی از جانب حزب توده طرد شدند. دلایلی که "جناح روسی" را بسمت جذب چریکهای فدائی کشانید اجمالاً در موارد ذیل میتوان خلاصه نمود:

(۱) تعداد بیشتر هواداران چریکهای فدائی نسبت به سایر گروههای چپ.

(۲) تزلزل ایدئولوژیک و نداشتن خط مشی واحد (م - ل) در

قبال جریانات اجتماعی و هیئت حاکمه.

(۳) سرخوردگی از مشی مسلحانه در مقابل واقعیتهای اجتماعی و انقلاب اسلامی.

(۴) اشتباهات تاکتیکی، بارز فدائیان در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی.

(۵) عدم اعتقاد فدائیان خلق به سوسیال امپریالیست بودن شوروی و یافشاری بر اثبات سوسیالیستی بودن رژیم روسیه!

(۶) مقبولیت بیشتر فدائیان به حزب توده.

(۷) ناپختگی و جوانی کادر رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق و بدینسان مشاهده میشود که هرگاه حزب توده از چریکهای فدائی نام میبرد به آنان به عنوان "نیروهای صادق چپ!" که تنها دارای "اشتباهات تاکتیکی" هستند اشاره کرده و هیچگاه چریکهای فدائی را مانند گروههای دیگر، ضد انقلابی نخوانده است.

جالب اینجاست که حزب توده خود و چریکهای فدائی و مجاهدین خلق را طی مقاله‌ای در "مردم" (بهمن ماه ۵۸) جزو نیروهای هوادار انقلاب میدانند و گاهی در نشریات خود به "انتقادات سازنده!" از مشی چریکهای فدائی میپردازد.

در اینجا مقاله به بررسی سیر وقایعی که سرانجام منجر به پیوستن سازمان چریکها به حزب توده میگردد میپردازد و مینویسد:

بهرحال با عنایت به تلاش های آشکار و پنهان حزب توده در جذب چریکهای فدائی از یک سو و گرایشات چریکهای فدائی به سوی خط مشی حزب توده، تدریجاً آشکار میشود که نزدیکی چریکها به حزب توده نقشه‌ای کاملاً معین و طرح ریزی شده از جانب تئوریسین های مسکو در جهت بهم پیوستن عناصر و جناحهای روسی، در جهت تامین اهداف سلطه جوینان این ابر قدرت جهانخوار در میهن ماست. در کنار گرایشات فوق الذکر نزدیکی حزب

موفق تر بوده است زیرا این حزب با پیش گیری خط مشی‌تی که بظاهر مدافع خط امام و جمهوری اسلامی است تاکنون با سلام صلوات پیش آمده و کمتر مورد حمله دیگران واقع شده است.

بنابراین:

جناح روسی ضمن آنکه در این انشعاب، بظاهر برای فدائیان خلق آبرویی در جهت تطهیر چپ رویها و جنایتهای یک ساله اخیرشان دست پا میکند جبهه خود را نیز متشکل تر مینماید...

مردم مسلمان ایران با هوشیاری خود توطئه‌های گروههای وابسته را که در جهت منافع آربابانشان میباشد خنثی خواهند کرد و در مقابل آن استوار و بی تزلزل خواهند ایستاد و تنها روسیایی و تباهی برای حيله گران و توطئه چینان انقلاب اسلامی خواهد ماند و در تاریخ حیات این امت ثبت خواهد گردید.

... وان نصبروا و تنتقوالا یضرکم کیدهم شیئا"

"قرآن کریم"

جناحه استقامت و پایداری ورزید و تقوی پیشه سازید، کید و مکر آنان هیچ ضرر زبانی بشما وارد نخواهد ساخت.

والسلام  
ح - محمدی



# رویدادهای جهان

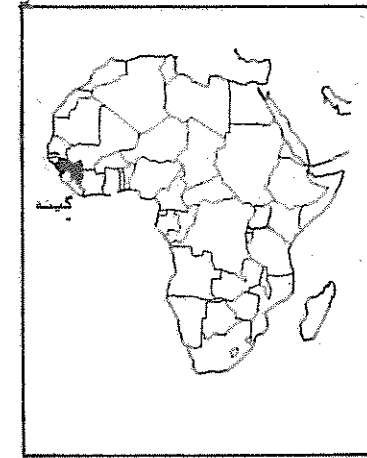


## حقایق درباره چپاول ثروت‌های گینه توسط روسیه

### گینه زیر یوغ سوسیال - امپریالیسم نمی رود

باگذشت زمان ماهیت و نقش واقعی فاشیست‌های روسی که بغارت و چپاول خلقها و اشغال کشورهای و مناطق جهان مشغولند آشکار تر و عیان تر میگردد. اشغال نظامی اخیر افغانستان توسط جهانخواران کرملین نقطه عطفی بود دربر ملا شدن ماهیت این باصطلاح "ضدامپریالیست" و متحد طبیعی خلقها.

کشورگینه که در ساحل غربی آفریقا واقع است زمانی یکی از کشورهای مدافع و پشتیبان سوسیال امپریالیسم روس بود. اما این کشور در کنفرانس اخیر اسلامی در پاکستان به جمع کشورهای اسلامی در محکوم کردن تجاوز روسها پیوست و خواستار خروج نیروهای اشغالگر روسی از افغانستان شد.



دخالت و نفوذ ابرقدرت روس در گینه به سالهای ۴۰ برمی گردد، در این زمان بورژوازی نوپای روسیه اقدام به مذاکره با سران دولت گینه برای خرید "بوکسیت" ارزان از این کشور کرد و بدین ترتیب گینه که ۳۰ درصد منابع بوکسیت جهان در آن وجود دارد هدف امپریالیست توسعه طلب روس قرار گرفت.

هنگام مسافرت "سکوتوره" رئیس جمهور گینه به روسیه در سال ۱۹۶۰ و ۱۹۶۵ خروشچف پیشهاد ساختن سدی پرروی رودخانه "کانکور" جهت فراهم آوردن تسهیلات مورد نیاز گینه در ذوب بوکسیت - آلومینیوم را ارائه کرد. اما پس از ۵ سال مذاکره روسها استدلال کردند که گویا تبدیل بوکسیت به آلومینیوم در گینه به صرفه نیست چون برق در

شوری خیلی ارزانتر است. روسها بجای ساختن سدی پرروی رودخانه مزبور گینه را مجبور بپسه بستن قراردادی جهت استخراج بوکسیت در سال ۱۹۷۱ کردند. طبق این قرارداد که "همکاری در تولید" نام دارد روسیه ۱۲ میلیون دلار با سود ۲/۵ درصد برای مدت ۱۲ سال در گینه سرمایه‌گذاری کرد.

شوری خیلی ارزانتر است. روسها بجای ساختن سدی پرروی رودخانه مزبور گینه را مجبور بپسه بستن قراردادی جهت استخراج بوکسیت در سال ۱۹۷۱ کردند. طبق این قرارداد که "همکاری در تولید" نام دارد روسیه ۱۲ میلیون دلار با سود ۲/۵ درصد برای مدت ۱۲ سال در گینه سرمایه‌گذاری کرد.

بازپرداخت سرمایه‌گذاری اولیه، بوکسیت در اختیار روسها بگذارد گینه همچنین ۴۰٪ دیگر می‌بایست بابت پرداخت قرض‌های گذشته‌اش به روسیه بپردازد. کلیه مخارج دیگر از قبیل مخارج جاری، دستمزدها، تعمیرات، تجهیزات اضافی و توسعه سرمایه‌گذاری نیز از طرف گینه‌بایستی تأمین شود.

از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۶ که از معدن عملیات بهره‌برداری انجام شد روسها برای هرتن بوکسیت گینه ۶ دلار پرداختند در حالیکه غرب ۲۳ دلار برای همین بوکسیت می‌پرداخت روسها در برابر اعتراضات مکرر گینه علیه چنین استثمار آشکاری قسول "کمک" بیشتر برای توسعه صنعت بوکسیت گینه را دادند!

در ژانویه ۱۹۷۶ روسها قرارداد دیگری با گینه بستند که بر طبق آن زمین شناسان روسی برای کشف ذخائر بیشتر بوکسیت تحقیق و بررسی کردند و ذخائر بیشتری نیز پیدا کردند. بالاخره در سال ۱۹۷۸ در اثر با فشاری دولت گینه روسها حاضر به پرداخت ۱۶ دلا ری برای هرتن بوکسیت شدند که این مقدار نیز هنوز یائین تراز قیمت بوکسیت در بازارهای بین‌المللی بود. روسها، زیر پوشش "کمک" موفق به کسب پایگاههای نظامی در بنادر و فرودگاههای گینه شدند. آنها موافقت نامهای را نیز جهت ماهیگیری در آبیهای گینه به امضا رساندند.

باجپاول منابع طبیعی و ایجاد پایگاههای نظامی در گینه مردم و دولت این کشور به اهدای امپریالیستی این تزارهای حریص بی می برند.

از اینرو دولت گینه درخواست روسها برای استخراج یک معدن بزرگ آهن که ۶۰۰ میلیون تن از بهترین نوع آهن جهان را دارا بود رد کرد.

دولت گینه پایگاههای نظامی روسها را نیز برچید و ترتیبی جهت محدود کردن پرسنل دیپلماتیک روسها در گینه بعمل آورده است. این دولت اخیرا با پایگاه کارشناسان نظامی روس را از کشور خود اخراج کرده است.

در این رابطه "سکوتوره" رئیس جمهور گینه در نشست کشورهای سازمان وحدت آفریقا در سال ۱۹۷۸ ضمن هشدار به خطر دوبار قدرت خواستار انکاء دسته‌جمعی کشورهای آفریقائی بخود شد.

آنچه که در واقع کشورها و ملل جهان بویژه جهان سوم در سالهای اخیر شاهد آنند، چپاول و غارت منابع طبیعی، خرابکاری، دخالت در امور داخلی کشورها، کودتا و بالاخره اشغال نظامی کشورها توسط فاشیستهای روسی است. نقاب "سوسیالیستی"، مدافع خلقها و ملل زیرستم و "کمک" به کشورهای جهان سوم و جنبش‌های آزادیبخش این سوداگران دیگر برای بسیاری از مردم و کشورهای جهان دریده شده است.

اقدام ضدامپریالیستی اخیر دولت گینه در قطع نفوذ و دخالت سوسیال فاشیست‌های روسی باید برای کلیه ملل و کشورهای جهان سوم که برای استقلال و حق حاکمیت خود علیه ابر قدرت‌ها مبارزه می‌کنند سرمشق قرار گیرد.

## ایران و پاکستان تسلیم تهدید و ارباب روسیه نمی‌شوند

ایران و پاکستان تسلیم تهدید و ارباب روسیه نمی‌شوند

هزار پناهنده افغانی در خاک پاکستان و بیش از ۲۰ هزار در خاک ایران در سخت ترین شرایط بسر می‌برند.

اشغالگران روسی بطرق مختلف از تجاوز به حریم هوایی این کشورها گرفته تا بمب‌گذاری در اردوگاههای پناهندگان افغان.

با گذشت زمان، تجاوزکاران روسی بیش از پیش در دریای جنگ خلق افغانستان غرق میشوند.

فاشیستهای اشغالگر روسی که نه تنها زیر ضربات خرد کننده خلق قهرمان افغانستان خرد شده است بلکه با مخالفت و محکومیت خلقها و ملل جهان بویژه کشورهای

بدون شک این نمره یک سازش و توافق موقتی بین دول امپریالیستی است، که دیری نخواهد پایید و آنچه از میان روابط بین جهانخواران سر بر میکند و حرکتها و سمت و سویشان را جهت میدهد، همان تضاد مبارزه‌شان بر سر تسخیر بازارهای جهان و نفوذ در قلمرو فرمانروایی یکدیگر خواهد بود. این خصلت ناشی از ذات و سرشت شیوه تولید سرمایه‌داری است و امپریالیسم را از این رهگذر گریزی نیست.

# رویدادهای اقتصادی

## مبارزه اقتصادی ژاپن با کشورهای صنعتی غرب

کشورهای عضو بازار مشترک اروپا در سال ۱۹۷۹ در مجموع، کسری موازنه بازرگانی‌شان با ژاپن به ۷ میلیارد دلار رسید. یعنی فزونی صادرات ژاپن بر وارداتش از این کشورها به ۷ میلیارد دلار رسید. این رقم در سه ماهه اول سال ۱۹۸۰ به ۱/۷ میلیارد دلار رسید. مقامات بازار مشترک از پیشی گرفتن ژاپن در امر صادرات به این کشورها و ناتوانی کشورهای بازار مشترک در بازار یابی و فروش کالاهایشان در ژاپن شدیداً اظهار نگرانی کرده و ادامه این وضع را برای سیستم جهانی امپریالیسم خطرناک توصیف نموده‌اند.

ابر قدرت آمریکا نیز سالهاست با ژاپن کلنجار می‌برد تا بتواند موازنه بازرگانی را با این کشور بکنند. در سال ۱۹۷۸ آمریکا جمعا ۱۲/۹ میلیارد دلار به ژاپن کالا صادر کرد، در حالیکه در همین سال میزان وارداتش از این کشور به ۲۴/۹ میلیارد دلار رسید یعنی آمریکا در این سال با ۱۲ میلیارد دلار کسری موازنه تجاری با ژاپن روبرو بود.

کشورهای صنعتی غرب برای مقابله با این وضع، فشارهایی به ژاپن وارد کرده و دست به اتخاذ سیاستهای جدیدی برای جبران کسری موازنه بازرگانی شان با ژاپن زدند. این کشورها از ژاپن میخواهند که مقررات واردات کالا به کشور خود را تسهیل کرده، صادرات را محدود نموده و در مجموع به سرمایه‌گذاری برای تامین نیازهای داخلی رو بیاورد. اخیراً بانکهای کشورهای اروپایی و آمریکا نرخ بهره خود را افزایش دادند. این اقدام سبب شد که حدود ۲ میلیارد دلار سرمایه از ژاپن به این کشورها روانه شود. این امر متقابلاً، ژاپن را با کسری موازنه پرداخت‌ها روبرو کرد.

یکی دیگر از شیوههایی که رقبای امپریالیست ژاپن برای مهار زدن به روند پرشتاب مازاد موازنه بازرگانی این کشور بکار می‌برند، ایجاد شرایط مصنوعی برای افزایش نرخ برابری بین ژاپن در مقابل ارزهای دیگر کشورها و بخصوص دلار میباشد. افزایش برابری نرخ بین سبب افزایش قیمت کالاهای صادراتی ژاپن و در نتیجه سبب کاهش قدرت رقابت این کالاها با اجناس آمریکایی و اروپایی میشود. ژاپن مجبور است برای مقابله با این کار، هر زمان که نرخ دلار دچار نوسان شدیدی به زیان این میشود، میلیون‌ها دلار از بازار آزاد خریداری کند تا با کاهش مصنوعی عرضه، از افزایش بی رویه بین‌جسو گیری نماید.

اختلاف بزرگ ژاپن با اروپا و آمریکا بر سر اینست که آمریکا و کشورهای اروپایی اصرار دارند این کشور صادراتش را کاهش داده و زمینه‌ها و امکانات جدیدی برای واردات فراهم کند تا سیستم امپریالیستی غرب، بیش از این دستخوش اغتشاش نشود! فشارهای کشورهای غربی تا حدودی موثر بوده‌است بطوریکه سازمان برنامه ریزی ژاپن اعلام کرد که صادرات این کشور در سه ماهه اول و دوم جاری تقریباً ثابت مانده و در سه ماهه سوم رویه کاهش خواهد گذاشت. در عین حال واردات این کشور در سه ماهه اول امسال (۱۹۸۰) ۷/۷ درصد ترقی کرد و انتظار می‌رود در سه ماهه‌های دوم و سوم نیز در حدود ۴ درصد افزایش داشته باشد.

اینها دست بیک کارزار تبلیغاتی وسیع بر علیه دولت پاکستان زده‌اند.

این کارزار تبلیغاتی در حقیقت فراهم آوردن زمینه مساعد جهت حمله به کشور پاکستان و حتی اشغال این کشور است.

ماد، همان، موقت که، مسما

## طرح بانکهای منطقه‌ای به کجا انجامید



# تجاوز ویتنام به تایلند

## مکمل تجاوز شوروی به افغانستان است

تجاوز ارتش ویتنام از طریق مرزهای کامبوج اشغال شده به خاک تایلند در هفته گذشته و استقرار یک نیروی ۱۲۰۰۰ نفره ویتنامی در مرز کامبوجیا - تایلند با هدف آتشی اشغال نمودن وزیر سلطه در آوردن تایلند، حلقه‌ای از زنجیر استراتژی عمومی شوروی در آسیا است، که در آسیای جنوب شرقی با کمک وبدست ویتنام که بدنیاال کسب هرزومونی منطقه‌ای است، عملی می‌شود.

عمومی شوروی در آسیا خدمت به خفه کردن ژاپن، محاصره چین و کنترل استرالیا است. کشور ویتنام که لائوس را نیز عملاً اشغال کرده است در خدمت استراتژی شوروی، بعنوان شریک کوچک آن ودربی سلطه طلبی منطقه‌ای می‌باشد.

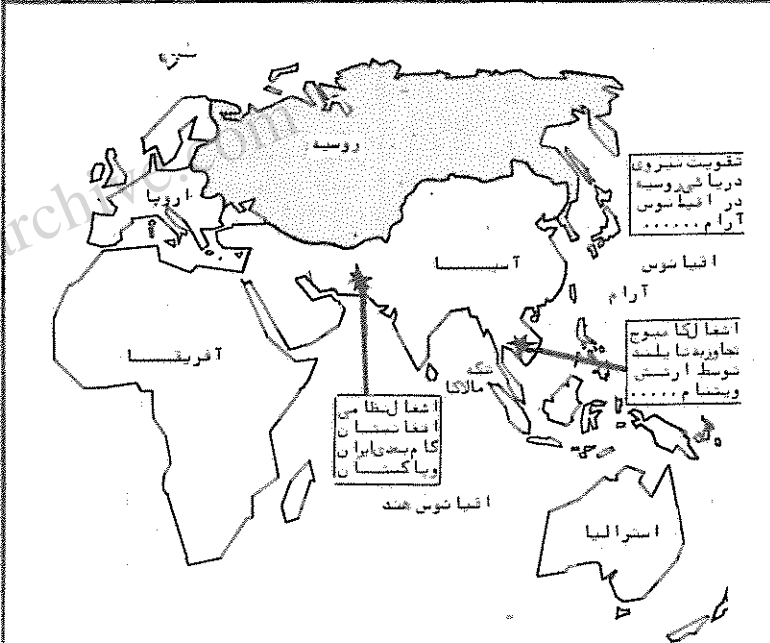
تاسیسات نظامی در ویتنام در توسعه طلبی دریایی شوروی در اقیانوس هند و آرام و گانون جنوب شرقی آسیا حائز اهمیت است. قرار

داد دوستی وهمکاری بین ویتنام و شوروی که در یکسال ونیم قبل به امضاء رسید به روسیه اجازه تاسیس پایگاه‌های مخابراتی را داده است. شوروی از تاسیسات پایگاه دریایی خلیج کامران که از طرف امیرالیسم آمریکا برای تجاوز به جنوب شرقی آسیا ساخته شده بود، استفاده میکند کامران یکی از مجهزترین پایگاههای دریایی واز مناسب ترین خلیج‌های طبیعی دریای چین جنوبی می‌باشد.

شوروی از پایگاه نظامی دانانگ نیز بهره برداری میکند. هواپیماهای تی یو - ۹۵ روسی در دانانگ بزمین می‌نشینند واز آنجا برای انجام ماموریت‌هایی به کامبوج، خلیج تایلند ودربیای چین جنوبی پرواز می‌کنند. هم اکنون بیش از ۵۰۰۰ متخصص نظامی روسی در تاسیسات و پایگاههای هوایی ودربیای در ویتنام در حال خدمت می‌باشند.

در استراتژی عمومی شوروی در آسیا، ویتنام نقش بسیار مهمی را ایفا می‌نماید. در منطقه آسیا رسالتی که از جانب شوروی به ویتنام محول شده و در تطابق کامل با اهداف سیطره جویانه ویتنام در هندوچین قرار دارد، ایفای نقش "پیشگراول سوسیال لیسم" و یا "گدای آسیا" می‌باشد. حضور ۵۰ هزار سرباز ومستشار ویتنامی در امور نظامی، اقتصادی وسیاسی در لائوس، اشغال خاک کامبوج توسط نیروی ۲۵۰۰۰۰ نفره ویتنام جز اولین وظایفی بود که ویتنام بخوبی از عهده آن برآمد. قدم بعدی اشغال تایلند و از آنجا دست رسی به تنگه مالاکا می‌باشد. چنانچه شوروی قادر به کنترل تنگه مالاکا شود، به یک گذرگاه مهم دریایی مسلط شده و میتواند ژاپن را از نظر مواد اولیه و انرژی کاملاً کنترل نماید. کلیه رزم ناوها، زیردریایی‌ها وگشتی‌های باری ونفتکش برای اینکه به دریای ژاپن دست یابند مجبورند از این تنگه عبور نمایند. بنابر این تنگه مالاکا دارای اهمیت بسیار زیادی برای مقاصد سیطره جویانه امپریال لیسم شوروی بوده و تجاوز ویتنام به خاک تایلند را می‌باید در برتسو چنین استراتژی ارزیابی نمود و میباید در انتظار تجاوزات بعدی وبزرگتری از طرف ویتنام بود.

تعرض فاشیستی شوروی به آسیا چه از طریق تجاوزات مستقیم ارتش شوروی و چه از طریق شریکهای کوچک و مزدور آن خطر جدی را برای استقلال وحاکمیت ملی کشورهای آسیا تشکیل میدهد. رسالت تاریخی این کشورها در این نهفته است که بدوراز تعهدات به شرق و غرب ویا ایجاد وحدتی مستحکم مابین خود وبانگیزه به نیروی انسانی، اقتصادی، سیاسی و نظامی خود در مقابل تهاجم شوروی استوارانه بایستند و خطر تجاوز روسیه را خنثی نمایند.



**استراتژی عمومی شوروی در آسیا: ایجاد یک خط کمربندی از دریای ژاپن - تنگه مالاکا تا تنگه هرمز**

### آفریقای جنوبی (آرآفآ)

# کارگران وز حمتکشان علیه رژیم اقلیت نژاد پرست بپا خاسته اند

موج روزافزون تظاهرات، اعتصابات وزدو خوردهای خونین در شهرهای بزرگ وصنعتی آفریقای جنوبی (آرآفآ) بین سیاهان وولیس وارتن حکومت نژاد پرست این کشور بالا گرفته است.

آفریقای جنوبی، کشوری که زیر حکومت نژاد پرستانه سفیدپوستان قرار دارد، صنعتی ترین کشور آفریقا است و کارگران سیاه درصد بزرگی از جمعیت آنرا تشکیل میدهند. استعمار بیرحمانه سرمایه داران اروپایی و امریکایی، مقررات شدیدآپارتاید (تبعیض نژادی) وشرايط وحشتناک زندگی، میلیونها سیاه زحمتکش را تباه کرده است. فی المثل در شهرگ کارگر نشین "سووتو" برای اینکه پلیس هروقت بخواهد یکی از سیاهان را دستگیر کند بادر بسته خانهها مواجه نشود، خانهها را طوری ساخته اند که درها از بیرون قفل میشود و نه از داخل! سیاهان حق اشتغال هوشل وکسبی را ندارند ونباید در مناطق سفید پوست نشین شهرها رفت وآمد کنند. سیاهان اساساً از حق شرکت در امور سیاسی، اجتماعی آفریقای جنوبی محروم بوده وهمه مسایل کشور از طریق تصمیمات یک اقلیت سفید پوست حل وفصل میشود.

چهار سال قبل، ساکنین سیاه بدل به صحنه‌ای فعال از مبارزه گردیده است.

پلیس وارتن حکومت نژاد پرستانه آفریقای جنوبی به رویارویی با صدها هزار سیاه خشمگین شناخت و دریکماه اخیر که این کشور در اثر مبارزات مردم میجوشد، هر روز عده‌ای رابخاک وخون افکنده است. کامیونهای حامل سربازان برای محاصره کارخانه‌های شهر بندری "بودت الیزابت" روانه شده وبه سرتوب کارگران اعتصابی برداختند و در شهرکپ تاون نیز در اثر یورش سربازان به صفوف کارگرانی که دست به تظاهرات زده بودند، ۴۲ کارگر شهید و ۲۵ تن نیز زخمی شدند.

رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی واعمال وحشیانه سردمداران فاشیست این حکومت که از پشتیبانی محافل ارتجاعی اروپا وامریکسا و سرمایه داران امپریالیستی برخوردارند، بشدت در افکار عمومی جهانیان منفور ومطرود گشته اند. احزاب وسازمانهای مترقی واستقلال خواه، قطعنامههایی به پشتیبانی از خلق بپاخاسته آرآفآ (آفریقای جنوبی) وحکومت مرتجعین نژاد پرست حاکم بر این کشور، صادر



استراتژی عمومی شوروی در آسیا، ایجاد یک خط کمربندی از دریای ژاپن تا اقیانوس هند و خلیج فارس است. از تقویت ناوگان ها و نیروی دریایی در دریای عمان، تقویت پایگاههای هوایی ودربیای درین، اشغال نظامی افغانستان و گسیل سربازان تازه نفس وزبده بجای سربازان خسته و از نفس رفته کارگذاشتن موشک‌هایی با برد متوسط در افغانستان که بطرف ایران وپاکستان نشانه گرفته اند، رخنه در هند و تحویل ۱/۶ میلیارد اسلحه به این کشور، دامن زدن به جنگ بین هند و پاکستان، بنگلادش و چین در قسمت غربی قاره آسیا - تا اعمال فشار بر روی ژاپن از طریق اشغال جزایر شمالی آن، فرستادن ناوهای جنگی و زیر دریایی به آبهای دریای ژاپن و تهدید این کشور که از نظر انرژی به خلیج فارس وابسته است در قسمت شرقی این قاره، همه جا این حرکت عمومی شوروی را مشاهده می‌کنیم.

در مردادماه سال گذشته، با وارد شدن ناو هواپیمابر "مینسک" به بندر ولادیوستک که فرارگاه ناوگان روسیه در اقیانوس کبیر می‌باشد، تعداد کل کشتی های جنگی بزرگ شوروی به ۱۳ فروند رسید. مقامات ژاپنی قدرت دریایی شوروی در اقیانوس آرام را صدها فروند کشتی، ۲۵۰ هواپیمای جنگنده وبیش از ۴۰۰۰ تفنگدار دریایی تخمین زده اند.

ناوگان شوروی در اقیانوس آرام بابیش از ۱۳۰۰۰۰ سرنشین از نظر قدرت دومین ناوگان نیروی دریایی شوروی در جهان می‌باشد.

در بین حوزه خلیج فارس و دریای ژاپن، گانون آسیای جنوب شرقی باهشت کشور ویتنام، لائوس، کامبوج، تایلند، مالزی، سنگاپور، فیلیپین، واندونزی واقع است. اهمیت این گانون در استراتژی

گذاری دقیق میان عناصر ضد انقلاب ( عمال رژیم گذشته و عناصر فاسد ) و عناصر غیر انقلابی و نیمه انقلابی .  
 در خاتمه باید بر این نکته تأکید ورزید که مبارزه با بوروکراسی دولتی را بهیچ وجه نباید با مبارزه با دولت ویا کارمندان دولت اشتباهی گرفت و این کاری است که هرج ومرج طلبان به اشتباه ویا به عمد انجام میدهند . مبارزه با دولت واستقرار حاکمیت دولت اتفاقا یکی از اهداف فعالیت مخرب عناصر ناسالم بوروکراسی دولتی وعمال ضدانقلاب واپر قدرتهاست که به درون دستگاه دولتی خزیده‌اند . نباید به دام این عناصر افتاد ، زیرا نظام حاکم بر ادارات است که باید تغییر کند و در این راه باید به مسئولین دلسوز و انقلابی و استقلال طلب مملکتی کمک کرد تا غول بوروکراسی را از پای در آورند ، باید با آنهایی که مرتکب اشتباه و مسامحه می شوند برخوردی درون خلقی و انتقادی داشت وبه آنها در تصحیح فکر و عملشان کمک نمود .

دفاع از افغانستان ...  
 بقیه از صفحه ۱

برمیخیزد ، بلافاصله به اهرمهایی برای تهدید ، فشار و محاصره تبدیل می شوند . از سوی دیگر اشغال نظامی افغانستان جزئی از یک استراتژی عمومی امپریالیسم روسیه است که حلقه‌های دیگر آنرا تجاوز به سایر کشورهای منطقه و منجمله میهن ما تشکیل میدهند . سیاست روسیه این است که از پشتیبانی کشورهای همجوار به افغانستان جلوگیری کند تا بتواند با فراغ بال جنبش مقاومت را سرکوب و اشغال افغانستان را بی پایان برساند و سپس با تحکیم این حلقه بسراغ سایر کشورها برود . بنابراین علاقه روسیه به برقراری روابط خشن و سیاست حسن همجواری با ایران قبل از آنکه نشانه احترام به استقلال وحق حاکمیت ملی ما باشد علامت تلاش روسیه است برای خنثی کردن ایران و ایجاد تفرقه در صف کشورهای جمهوری اسلامی ایران باید

ماباید خود را ...  
 بقیه از صفحه ۱

افغانستان بر علیه نیروهای خارجی است و این سیاست را تا پیروزی کامل ادامه میدهیم .  
 رئیس جمهور در سخنان خود بشدت نظام فتووالی را مورد حمله قرار داد و گفت شما باید گاری بکنید که ایل نشینان ساده نیازی به آن نظام خانجانی احساس نکنند و اگر برنامه‌های اقتصادی ، فرهنگی و سیاسی برای رفع مشکلات آنها اجرا نکنید ... بدانید که با کار بکطرفه خان از بین نمی رود بلکه موقعیت او نیز مستحکم می شود . باید یک برنامه طولانی جهت بی نیاز کردن مردم

مستضعف این مناطق اجرا کنیم و این کاریست که ۱۶ ماه تا خیر کرده ایم و دیگر نباید تا خیر کنیم .  
 دکتر بنی صدر سپس افزود : من بصراحت به خان هائی که فکر کرده اند فرصت است و گروه‌هایی مسلح کرده اند برای غائله بوجود آوردن میگویم که ما به تماشا کردن نخواهیم ایستادینا بر این اینکارها را رها کنید و اگر اسلحه دارید زمین بگذارید و تحویل دهید . امنیت شما با حکومت اسلامی است و ما این امنیت را بعیده میگیریم و به بهانه نداشتن اجازه تشکیل گروه‌های مسلح جدید را در هیچ جای ایران به هیچ گروهی نمی دهیم .

نمایند مستعفی تلقی خواهند شد ...  
 ماضی محکوم کردن این گونه اقدامات ضد کارگری که جز خوابانیدن جرخهای اقتصادی کشور و همچنین قیضه کردن امور تولیدی در دست عدهای متنفذ و صاحبان قبلی کارخانجات ثمره دیگری ندارد ، برای ریشه‌یابی بیشتر با چند نفر از کارگران این کارخانه به گفتگو نشستیم که خلاصه‌ای از درد دل ها و اعتراضات حق طلبانه آنها در دفاع از احمد زاکری می‌حصری را در زیر می آوریم :

چند نفر از کارگران گذشته مبارزاتی احمد رضا کریمی و علت دستگیری اخیر وی را چنین بیان می کنند : " احمد کریمی یک کارگر ساده در رشته بافت کارخانه ساکا بود و در زمان طاغوت از منافع و خواستهای ما کارگران دفاع میکرد . ما او را به عنوان نماینده و رئیس سندیکا انتخاب کردیم و ساواکیها و صاحب کارخانه از ابتدا با او مخالفت می کردند . ۴ سال پیش کارفرما میخواست که با دادن پول بعنوان عیدی او را بخرد ، اما احمد کریمی پول را پس داد و میگفت که کارفرما میخواهد با پول مرا توکر خودش بکند "

یکی دیگر از کارگران میگفت : بعضی از سهامداران کارخانه در زمان شاه سابق نامهای بر علیه احمد کریمی به ارتش و ساواک فرستادند و او را به عنوان ضدیت با شاه و طرفداری از کارگران و کمونیست بودن دستگیر کردند که چند سال تبعید شد . ... چند ماه پس از انقلاب ما کارگران خواستار آمدن احمد کریمی به کارخانه ساکا شدیم و او را دوباره به کارخانه آوردیم .

یک کارگر دیگر میگفت : " بعد از انقلاب که او رئیس سندیکا شد اکثر کارخانه ها خوابیده بودند ولی او با کوشش زیادی نخ و مواد اولیه دیگری پیدا کرد و کارخانه را به کار انداخت احمد کریمی همیشه میگفت که باید بکار تولیدی پرداخت و انقلاب را به پیروزی بیشتری سوق داد . " او روزها در بیابانها میخوابید و زن و بچه اش را تنها گذاشت . تا دیدیم که در نتیجه کوشش او چند کامیون نخ وارد کارخانه شد و تولید کارخانه بالا رفت .

یکی دیگر از کارگران میگفت : " بعضی از سهامداران در زمان طاغوت نیز با او مخالف بودند امروز هم بر علیه او توطئه می‌چینند . چند ماه قبل ۳ نفر برای مدیریت بسسه کارخانه آمدند و میخواستند بارجه‌های کارخانه را ببرند . احمد کریمی مانع این کار شد و میگفت که این ها سوال

ببرید فقط باید برای کارخانه نخ تهیه بکنید . در یک روز که همه ما در مسجد کارخانه جمع شده بودیم احمد کریمی یک نوار از صحبت‌های تلفظی این سه نفر برای ما منتشر کرد آنها یک جایی خواسته بودند که ۱ کامیون تریلی بیاورند و بارجه را ببرند . هم اکنون این نوار در دست است . احمد کریمی برای اینکه این اموال به سرقت برده نشود باتفاق ما کارگران بمدت ۱ ماه هر شب در کارخانه گشتیک میداد و بالاخره هم آنها موفق نشدند . حالا هم که می بینید ما از احمد کریمی دفاع می کنیم آمده اند او را دستگیر کرده اند تا با بیرون کردن او هر کاری که دلشان بخواهد انجام بدهند . " یک کارگر دیگر میگوید :

خواست ما اینست که اگر احمد کریمی برنده‌ای دارد ، اگر دزدی کرده ، قحاقق فروش است و یا اگر تودهای است بیاورند و اعلام بکنند . ولی اگر برنده‌ای ندارد و ما هم میدانیم که همه اینها دروغ است پس چرا دست به این کارها میزنند . در این مملکت هیچ مقامی وجود ندارد که ما برویم و حق خودمان را مطرح بکنیم . امام خمینی و آقای رئیس جمهور باید بدانند که یک عده‌ای میخواهند با این کارها دل ما را بشکنند و نسبت به انقلاب ما را دلسرد بکنند و آنوقت همه پیروزی های انقلاب را از بین ببرند . ما از امام خمینی و آقای صدر میخواهیم که تکلیف ما را با این عده روشن بکنند . ما موقع شاه سابق اعتصاب خودمان را کردیم و میدانیم که حالا موقع اعتصاب نیست و باید در صدد بالا بردن تولید باشیم .

یک کارگر دیگر میگفت : " ما بعد از انقلاب بطور مرتب کار کرده ایم قبل از انقلاب ۳ سیفته کار می کردیم ولی بعدا " که مواد اولیه کم شد ۲ سیفته کار می کنیم و بهمهراه سندیکا تصمیم گرفتیم که در هر روز ۱ ساعت اضافه تر کار بکنیم و در عوض روزهای جمعه تعطیل باشیم که هم از خرج رفت و آمد و دیگر چیزها صرفه جوئی می شود . در تمام این مدت پس از انقلاب حقوق ما مرتب داده اند . اما امروز ۲ روز است که حقوق ما نرا نگرفته ایم . حالا هم اعلامیه داده اند که برویم کارخانه و شناسنامه خودمان را ببریم و تعهد بدهیم . آخر چرا ، ما که اعتصاب نکرده ایم . کارخانه را آنها تعطیل کرده اند . آنها میخواهند از دفاع مانسبت به احمد کریمی جلوگیری بکنند و ما را بترسانند . این مطالب گوشه‌ای از درد دل کارگران " ساکا " بود . آنها میخواهند که هر چه زودتر به خواستهای آنها جواب مثبت داده شود .

بوست محله " سوئوتو " در حومه زوهانسبورگ ، در برابر حمله بی حد نژاد پرستان ، قوانین آموزشی و شرایط تحصیلی دشوار باخاستند و صدها هزار دانش آموز ، کارگرو . . . به مقابله با سرکوب پلیس و ارتش فاشیستی پرداخته و در این مبارزه ۶۰۰ کشته و بیش از ۲ هزار زخمی برجای ماند .

امسال در چهارمین سالگرد قیام خونین " سوئوتو " یکبار دیگر سیاهان زحمتکش آفریقای جنوبی در مقابل اربابان فاشیست قد علم کردند . اینبار دامنه نظرات ، اعتصابات و مبارزات خلق به کارخانجات کشیده شده و همزمان با درگیری خونین در خیابانها محلات ، دانشگاهها و مدارس ، کارخانجات نیز

گردیده و تا کنون تنها در یکی دو هفته اخیر ، دوبار حکومت آفریقای جنوبی و اعمال ضد انسانی آن رسماً در سازمان ملل محکوم گشته است .

حکومت نژاد پرستان آفریقای جنوبی ، که بر پایه استثمار بیرحمانه و بهره‌کشی حیوانی از سیاهان این سرزمین استوار گشته است در سایه خفقان و سرکوب و اعمال فواین فاشیستی تبعیض نژادی ، چند صباحی بیشتر نخواهد پایید . آفریقا بیبا خاسته است و حق حاکمیت ملی و استقلال و آزادی می خواهد و امیر - یالیستها ، نژاد پرستان و سلطه طلبان نیز نخواهند توانست مانع آن شوند .

مفسرین تلویزیونی و سخنان امام

تلویزیون بار دیگر در تفسیر سخنان روز جمعه امام خمینی به بیراهه رفت . معلوم نیست دست اندرکاران این دستگاه مهم تبلیغاتی چگونه بخود اجازه میدهند که برداشت های سطحی خود را از مسائل مهمی چون نطق امام به عنوان حکم مسلح به جامعه منتقل کنند و تاءثیرات سخنان امام را دگرگون شده ب مردم تحویل دهند ؟

در حالیکه امام خمینی در سخنان خود روحیه غیر مردمی بوروکراسی پس مانده از رژیم گذشته و ادامه همان روشهای سابق در دستگاههای اداری را مورد انتقاد قرار داده و در ضمن آن به مسئولین هشدار می دهند تا وضع حاضر را تغییر دهند مفسر تلویزیون از میان این سخنان که جهت انتقاد آن نظام حاکم بر دستگاههای دولتی است ، تنها مسئله آرم ها و نشانها های باقیمانده از دوران منحوس رژیم پهلوی را مورد انتقاد امام قلمداد نموده و با تمرکز بر روی این مسئله که تبعی و جزئی از یک کل است از اصل مطلب که دردهای مردم نسبت به روحیات غیر مردمی بوروکراسی است سخنی بمیان نیآورد و تصویری غیر واقعی و مسخ شده از سخنان امام بدست می دهد .

گذشته از این بر خورد انحرافی ، روش ولحن تفسیر تلویزیون نیز جای بحث دارد . زیرا دستگاهی که خود بیش از هزارگان دیگر مورد انتقاد قرار دارد و از انتقادات اخیر امام نیز مبری و مستثنی نیست . تحت پوشش سخنان امام با لحن موهنی به مسئولین مملکت می تازد و آنان را " بیشرم و وقیح " می خواند .

در این که مسئولین مملکت می بایست مورد انتقاد قرار گیرند تا نسا رسائی ها از بین رود جای شکی نیست . لیکن انتقاد سازنده و هشدار پدرانیه امام کجا ولحن اهانت آمیز دستگاه تلویزیون کجا ! شاید مفسر تصور می کند که با هتاک به مسئولین دولتی ، مردم کاستی های رادیو و تلویزیون را فراموش میکنند ؟

آیا بهتر نیست مسئولین رادیو و تلویزیون بجای تفسیر نارساو سطحی از نطق امام و اهانت به مسئولان مملکتی ، بیش از همه بفکر کار خود که بسیار و بسیار به تصحیح و تغییر نیازمند است و تصحیح کار این دستگاه مهم تبلیغاتی باشند .

**رنجبر**

**ارتگان حزب رنجبران ایران**

صاحب امتیاز و سردبیر : فرامرز وزیری  
 مدیر مسئول : علی حجت

نشانی : خیابان انقلاب جنب سینما روبال  
 خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷  
 نشانی پستی : تهران - صندوق پستی  
 ۱۴۰۱ - ۳۱۴ منطقه پستی ۱۵  
 تلفن ۸۲۰۶۹۱